

## روند ثبت نام نامزدهای انتخابات آغاز می شود



روند ثبت نام نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان امروز رسماً آغاز می شود. نورمحمد نور سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات می گوید که ثبت نام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی افغانستان بیست و پنجم سنبله (امروز) آغاز می شود و تا چهاردهم میزان ادامه خواهد داشت. وی گفت: شرایط نامزدهای ریاست جمهوری مطابق قانون اساسی افغانستان از سوی این کمیسیون ابلاغ شده است و تاکنون بیست و یک نفر برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بسته های آگهی را از دفتر این کمیسیون دریافت کرده اند. وی افزود: هر نامزد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان باید مشخصات یکصد هزار حامی و رای دهنده خود را به این کمیسیون ارائه کند. قرار است انتخابات ریاست جمهوری افغانستان شانزدهم حمل سال آینده برگزار شود.

در نشست اعلان موضع اجندای ملی درباره انتخابات:

# اجندای ملی از تشکیل دولت وحدت ملی در فرایند انتخابات حمایت می کند



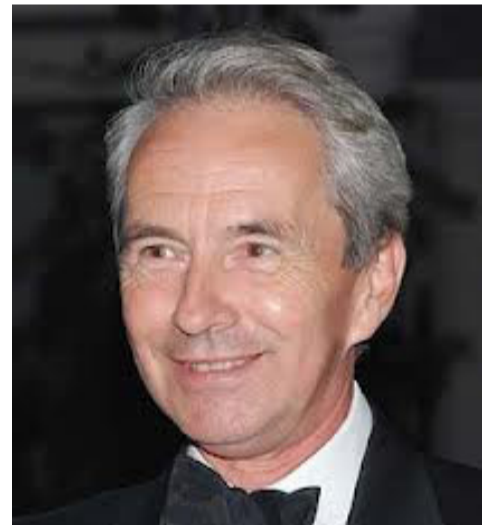
«اگر کسی تلاش کند که انتخابات را به بی راهه بکشاند، مطمئناً که این کار باعث به وجود آمدن یک دولت مشروع نمی شود و افغانستان با مشکلات خود باقی می ماند.»

صفحه ۶

سفیر انگلیس در کابل:

## امیدوارم نامزد طالبان در انتخابات پیروز شود

سفیر انگلیس در کابل از حضور طالبان در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان حمایت کرد. ریچارد استگ سفیر انگلیس در کابل، از طالبان خواست در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان حضوری فعال داشته باشند و نامزد خود را برای رقابت با سایر نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری معرفی کنند.



وزارت خارجه:

## مذاکرات غیر رسمی بر سر سند پیمان امنیتی آغاز شده است



حکومت افغانستان می گوید مذاکرات غیر رسمی بر سر سند همکاری های امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده آمریکا آغاز شده است. مقام های امریکایی تاکید دارند که این سند پیش از انتخابات ریاست جمهوری افغانستان امضا شود. جانان موسوی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان روز یکشنبه در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «نکته مهم این است که بین افغانستان و ایالات متحده گفت و گوهای غیر رسمی بر سر موافقتنامه امنیتی دو جانبه جریان دارد.» سخنگوی وزارت خارجه گفت که این گفت و گوها از یک هفته پیش آغاز شده و هیات های افغانستان و آمریکا دوبار در این مورد گفت و گو کرده اند. قرار بود سومین جلسه بر سر توافقنامه امنیتی عصر روز یکشنبه برگزار شود. امضای سند همکاری های امنیتی بین افغانستان و آمریکا تاثیر مستقیم بر سرنوشت آینده افغانستان

## تلفات نظامیان خارجی به مرز ۳۴۰۰ نفر نزدیک شد



با کشته شدن یک نظامی دیگر ناتو در افغانستان تلفات نیروهای خارجی در کشور از ۳۳۷۲ تن گذشت و به مرز ۳۴۰۰ نفر نزدیک شد. آیساف با انتشار بیانیه ای از کشته شدن یک نظامی دیگر ناتو در افغانستان خبر داد. در این بیانیه تصریح شده که این سرباز در یک حادثه غیر نظامی در شرق افغانستان جان خود را از دست داد. ... ادامه صفحه ۶

در برگ ها



آجندای ملی؛  
استراتژی بی  
همیشه  
تازه

بحران  
دموکراسی  
مدرن  
در فاصله دو  
جنگ جهانی



نیمنگاهی  
به  
حزب تحریر

د تاکنو  
ترسره  
کپدل د  
دیموکراسی  
د دوام په  
مانا ده





احمد عمران

# آجندای ملی؛ استراتژی‌یی همیشه تازه

تعلق دارد و «دیگری» را به عنوان دیگرانندیش و دیگرباش نمی‌پذیرد؛ در حالی که در فرهنگ گفت‌وگو، همه هویت‌ها جایگاه یک‌سان دارند و هیچ یک از طرف‌های گفت‌وگو، مدعی محق بودن مطلق خود نیست. همه به این می‌اندیشند که چه‌گونه می‌توانند زمینه همگرایی را در مسایل فراهم کنند و چه‌گونه به جرح و تعدیل دیدگاه‌های خود بپردازند.

آجندای ملی به فرهنگ گفت‌وگو تعلق دارد و به همین دلیل، مدرنیت را در تمام زمینه‌ها به رسمیت می‌شناسد. از دل چنین موضعی، راهکارهای سیاسی و اجتماعی بیرون می‌تراود و خود را در برابر قضاوت همه‌گانی محک می‌زند. ولی پرسش دیگر که رابطه‌ی وثیق با آجندای ملی به عنوان استراتژی دارد این است که در وضعیت افغانستان چه نقش و جایگاهی می‌خواهد به خود اختصاص دهد؟... این پرسش بدون شک یک پرسش فربه است و پاسخ به آن، مولفه‌های اصلی و بنیادین آجندای ملی را باز می‌کند.

آجندای ملی رویکردی سازش‌گرانه با ایده‌ها و دیدگاه‌ها دارد. آجندای ملی مدعی نیست که تمام مسایل را در خود دارد و به عنوان یک بستر مطمئن می‌توان بر آن قدم گذاشت؛ بل رویکرد آن این است که همه در زیر چتر آن بتوانند هوای تازه را استشاق کنند و به این بیندیشند که چه‌گونه می‌توان بن‌بست‌های امروز و فردای جامعه را حل کرد. آجندای ملی همان چتریست که با پذیرش آن، دیگر کسی سیاه و یا سفید نیست، بل همه رنگه اند. در چنین فضا و بستری می‌توان به راحتی از خود انعطاف نشان داد و به مشکلات به عنوان مشکل نگاه کرد و نه واقعیت‌های سفت و سختی که هیچ راه بیرون‌رفتی برای آن‌ها سراغ نمی‌شود.

متأسفانه در بیشتر دیدگاه‌ها، مشکلات جامعه به عنوان واقعیت‌های تغییرناپذیر و پذیرفته‌شده مطرح می‌شوند که به جای حل آن‌ها، طرف‌های درگیر خود را مجبور می‌کنند که در هیأت مشکلات ظاهر شوند. آجندای ملی از نگاهی دیگر، یک فرصت برای نخبه‌گان کشور می‌تواند باشد؛ فرصتی که فراخوان آن باهم‌اندیشی است و نه اندیشه‌های از قبل آماده شده و نسخه‌های از قبل پیچیده شده.

مشکل دیگر جامعه روشن‌فکری افغانستان، همواره این بوده که با نسخه‌های از قبل پیچیده شده تلاش کرده است که برای مشکلات



آجندای ملی نیز وقتی مطرح شد، با چنین مختصاتی همراه بود؛ مختصاتی که آن را از قید زمان به عنوان عاملی فرسایش‌گر رهایی می‌بخشد و لحن و بیان آن را همواره تازه نگه می‌دارد. امروز وقتی می‌گوییم که آجندای ملی از یک طرح سیاسی فراتر رفته، به همین دلیل است. حالا باید از آجندای ملی به عنوان استراتژی سخن گفت؛ استراتژی‌یی که می‌تواند برای دیگر گفت‌وگوهای سیاسی، مجال و فرصت طرح و گفت‌وگو را مهیا کند. به همین دلیل دیدیم که در نخستین نشست مشورتی آجندای ملی، نخبه‌گانی از طیف‌های گوناگون و با نظراتی متفاوت حضور یافتند و مواضع و دیدگاه‌های خود را مطرح کردند.

رویکرد گفت‌وگومحور آجندای ملی، به عنوان

امروز وقتی از آجندای ملی سخن می‌گوییم، چیزی فراتر از یک طرح سیاسی را در برابر خود می‌یابیم. طرح سیاسی به مجموعه راهکارهایی گفته می‌شود که فقط در مقطع خاصی می‌تواند کاربرد داشته باشند؛ ولی آجندای ملی پس از ارایه به گونه‌ی اعجاب‌انگیزی از دایره‌ی یک طرح سیاسی خود را فراتر نشان داد.

اکنون نگاه به آجندای ملی به عنوان یک استراتژی است؛ استراتژی‌یی که می‌تواند آینه‌دار فضا و گفتمان‌های متکثر سیاسی باشد. آجندای ملی که برای بار نخست به وسیله احمد ولی مسعود رییس بنیاد شهید احمدشاه مسعود تدوین و ارایه شد، از همان آغاز مورد توجه نخبه‌گان و اندیشه‌ورزان کشور قرار گرفت و بحث و گفت‌وگوهای زیادی را برانگیخت. پرسش اصلی این بود که آجندای ملی چه‌گونه می‌تواند از آزمون‌های تاریخی و سیاسی، سرفراز بیرون شود و به عنوان الترانیت در برابر طرح‌ها و نظرات دیگر ایستاده‌گی کند؟

از همان قدم‌های نخست که آقای مسعود به طرح و ارایه آجندای ملی آغاز کرد، تلاش‌هایی همه‌جانبه صورت گرفت که آجندای ملی لحن تک‌صدایی نداشته باشد. به معنای دیگر، در آجندای ملی می‌توان به خوبی تکرر و صداهای مختلف را شنید و احساس کرد؛ همان بحث پساساختارگرایان که در مفهوم بینامتنیت در مقوله‌های اجتماعی به آن پرداخته می‌شود. در مفهوم بینامتنیت که عمدتاً از سوی ژولیا کریستوا مطرح می‌شود، بحث مهم این است که آیا ما بدون اندیشه‌های همدیگر، قادر به اندیشیدن هستیم؟ نقش و جایگاه گفتمان‌های دیگر در مسایل سیاسی و اجتماعی چیست؟

طرف‌داران مفهوم بینامتنیت باور دارند که اندیشه‌ها در خلأ به وجود نمی‌آیند و در یک رابطه دوسویه و بده و بستان قرار دارند. این ویژه‌گی سبب می‌شود که اندیشه‌ها و نظریات، همواره در معرض بازنگری و بازاندیشی قرار داشته باشند و هرگز به این مسأله تن در نمی‌دهند که روند بازنگری و بازاندیشی، روزی به پایان خواهد رسید.

## سخن‌ماندگار

### خواسته‌های آجندای ملی را جدی بگیرید

با آن‌که قراین بیانگر آن است که حکومت برای فعالیت‌های انتخاباتی‌اش برنامه‌ریزی کرده است و به طور حتم در این انتخابات مطابق معیارهای قانونی عمل نخواهد کرد؛ اما موضع‌گیری‌های اخیر جامعه سیاسی و مدنی کشور نیز در این زمینه قابل توجه می‌باشد. یکی از تازه‌ترین موضع‌گیری‌ها، نشست خبری گروهی از نخبه‌گان و سیاسیون بود که تحت نام آجندای ملی هشدارهایش را به آدرس حکومت ارجاع داد. در نامه‌یی که برگزارکننده‌گان این نشست در دسترس رسانه‌ها قرار داده، نکات بسیار مهم و حیاتی مبنی بر برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه تذکر رفته است که اگر قرار باشد حکومت نیتی برای برگزاری چنین انتخاباتی داشته باشد، باید خود را ملزم به اجرای همان نکاتی بداند که در این نامه آمده است.

اطمینان از عدم دخالت اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی، تأمین امنیت روز انتخابات و عدم مداخله حکومت، از مهم‌ترین نکاتی استند که برگزارکننده‌گان نشست ضمانت‌های آن را از آقای کرزی خواهان‌اند. اما تأسف آن‌جاست که تا کنون هر چه در این زمینه دیده شده، برعکس آن بوده است. طوری که آقای کرزی اعضای کمیسیون انتخابات را مطابق سلیقه خودش برگزید و یا حمایتش را به نحوی از نامزد مورد نظرش آقای زلمی رسول اعلام کرد و هم‌چنین تأمین امنیت که به همه‌گان روشن است که به این آسانی ممکن نیست.

آن‌چه را که آجندای ملی به عنوان ضمانت اعلام کرده، در واقع خواسته‌های جمیع مردم است که حکومت ملزم به اجرای آن می‌باشد. در حقیقت، لازمه‌های برگزاری یک انتخابات شفاف و عادلانه، همان نکاتیست که برگزارکننده‌گان نشست آجندای ملی عنوان کرده‌اند. با توجه به عمل‌کرد حکومت، تردیدی نیست که رییس جمهور کرزی هرگز بر این نکات مکث نخواهد کرد؛ اما باید یادآور شد که تأکید بر ضمانت‌های یک انتخابات شفاف، تنها وظیفه برگزارکننده نشست آجندای ملی نیست، بل یکی از وظایف همه احزاب و فعالان جامعه مدنی است که باید بر آن تأکید داشته باشند. چنان که در همین نامه آمده است که حکومت باید از مشارکت فعال زنان و جوانان در انتخابات، از مأموریت‌های نظارتی نهادهای ملی و بین‌المللی در انتخابات و از شکل‌گیری تفاهم میان نیروهای سیاسی در راستای ایجاد یک دولت مشروع ملی حمایت کند و این نکته می‌نمایند که رسیدن به ضمانت‌هایی که از آن تذکر رفته، بدون همکاری سایر نهادها میسر نیست.

بنابراین، همکاری همه احزاب سیاسی، گروه‌های مدنی و شخصیت‌های مستقل ملی و سیاسی در این زمینه لازمی می‌نماید. از آن جایی که انتخابات یک نقطه عطف در این مرحله از تاریخ سیاسی کشور شمرده می‌شود و از آن جایی که اندک‌ترین اشتباه سیاسی ممکن است کشور را به عقب برگرداند، باید به این امر توجه جدی کرد.

نشست آجندای ملی به یک نکته دیگر هم اشاره کرده که آن حمایت از شکل‌گیری تفاهم میان گروه‌های سیاسی است؛ درست نقطه مقابل حکومت که از همین اکنون در پی ایجاد تفرقه در میان احزابی است که زیر عنوان اتحاد انتخاباتی جمع شده‌اند. بازی‌های حکومت برای برهم زدن این روند بر هیچ‌کس پوشیده نیست و احتمالاً این برنامه از این‌پس از سوی حکومت با جدیت بیشتری پی‌گیری خواهد شد که می‌باید احزاب و شخصیت‌های سیاسی ملی این نکته را نیز فراموش نکنند. قابل یادآوری است که حکومت ظاهراً از طرح آجندای ملی حمایت کرده و به خواسته‌های آن احترام گذاشته، اما در عمل هرگز قدمی در این راستا برنداشته است که توجه به این امر نیز برای آگاهان ضروری به نظر می‌رسد.

#### آجندای ملی تختی است فراخور تمام نظرات و دیدگاه‌ها که بتوانند به راحتی روی

#### آن دراز بکشند و از کوتاهی و درازی پاهای خود نگران نباشند. آجندای ملی به

#### دلیل همین ویژه‌گی، می‌تواند برای مشکلات امروز جامعه در یک گفت‌وگوی ملی

#### چاره‌اندیشی کند و نقشه راه فردا را نیز در برابر جامعه بگذارد

جامعه راه‌حل پیدا کند. این نوع رویکرد به قضایا و مسایل، یادآور همان تخت معروف یکی از جلالان تاریخ است که قربانی روی آن دراز می‌کشید و اگر پاهای قربانی از تخت کوتاه‌تر می‌بود، آن‌ها را آن‌قدر می‌کشید که برابر تخت شوند؛ ولی اگر پاهایش بلندتر از تخت می‌بودند، آن‌ها را قطع می‌کرد.

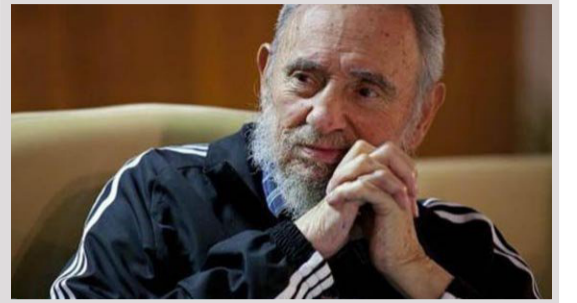
نسخه‌های از قبل پیچیده شده، چنین حال و روزی دارند و به همین دلیل نمی‌توانند کارآیی داشته باشند. آجندای ملی تختی است فراخور تمام نظرات و دیدگاه‌ها که بتوانند به راحتی روی آن دراز بکشند و از کوتاهی و درازی پاهای خود نگران نباشند. آجندای ملی به دلیل همین ویژه‌گی، می‌تواند برای مشکلات امروز جامعه در یک گفت‌وگوی ملی چاره‌اندیشی کند و نقشه راه فردا را نیز در برابر جامعه بگذارد.

عنصر جاذبه آن می‌تواند مطرح شود. هنگامی که دیدگاه‌ها گفت‌وگومحور نباشند، عنصر دافعه بر آن‌ها غلبه می‌کند و حالت تک‌گویی و یا مُنولوگ را به خود می‌گیرند. در حالی که آجندای ملی چنین نیست و می‌تواند گفت‌وگو را تا بی‌نهایت انجام دهد.

در فرهنگ سیاسی افغانستان، همواره نسبت به عنصر گفت‌وگو غفلت شده است. فرهنگ غالب که همان فرهنگ سلطه‌گر بوده، به عنصر مباحثه اندیشیده است. در فرهنگ مباحثه، عمدتاً مسایل به سیاه و سفید فرو کاسته می‌شوند و طرف‌های مباحثه از پایگاه‌های متقن با یکدیگر سخن می‌گویند؛ پایگاه‌هایی که برحقانیت آن‌ها تأکید می‌رود و تلاش می‌شود که یکی بر دیگری غالب گردد. فرهنگ مباحثه به دوران پیشامدرن



## فیدل کاسترو پیشنهاد روسیه درباره سوریه را هوشمندانه خواند



فیدل کاسترو در مطلبی پیشنهاد روسیه در مورد تعهد سوریه به کنار گذاشتن سلاح‌های شیمیایی خود را هوشمندانه خواند و گفت که این پیشنهاد موجب کاهش احتمال حمله نظامی امریکا به سوریه شده است.

به گزارش خبرگزاری شینخوا، فیدل کاسترو، رهبر سابق کوبا در مقاله‌یی با عنوان «خاطرات پاک نشدنی» نوشت: به نظر می‌رسد خطر وقوع درگیری‌های سوریه به لطف اقدام ابتکاری هوشمندانه روسیه که در مقابل ادعای غیرعادی دولت امریکا سربلند بود، کاهش پیدا کرده است.

این مقاله روز شنبه منتشر شد اما تاریخ آن برابر با ۱۰ سپتمبر یعنی همان روزی است که مسکو از طرح خود به منظور جلوگیری از وخیم‌تر شدن جنگ سوریه خبر داد.

فیدل کاسترو خاطرنشان ساخت: تهدیدهای امریکا برای انجام یک حمله ویرانگر علیه تجهیزات دفاعی سوریه می‌توانست موجب کشته شدن هزاران تن از مردم سوریه شده و تبعاتی غیرقابل پیش‌بینی به همراه داشته باشد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا پیشتر وعده داده بود در پاسخ به حمله شیمیایی ۲۱ اگست که به ادعای وی توسط دولت سوریه انجام شده، دست به حملات نظامی تنبیهی خواهد زد.

چند روز پیش روسیه پیشنهاد داد، سلاح‌های شیمیایی سوریه تحت نظارت بین‌المللی قرار گیرد که این موضوع از سوی حکومت بشار اسد پذیرفته شد.

پس از آنکه سوریه پیشنهاد روسیه را پذیرفت، اوباما از کنگره امریکا خواست رای‌گیری درباره حمله به سوریه را به تعویق بیندازد. فیدل کاسترو خاطرنشان ساخت: سرگئی لاوروف شاید در اجتناب از یک مصیبت جهانی فوری شریک بوده است.

کاسترو که ماه گذشته میلادی ۸۷ ساله شد، در این مطلب عنوان کرد: مردم امریکا همچنین مخالف هرگونه ماجراجویی سیاسی هستند که نه فقط در کشورشان بلکه بر کل بشریت تأثیر خواهد داشت.

وزارت امور خارجه کوبا نیز خواهان حصول راه‌حل سیاسی برای پایان دادن به بحران سوریه شده و هرگونه تلاش برای از بین بردن استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه را مردود دانسته است.

## امریکا آغازگر انقلاب مصر بود



دیکتاتور مصر با تأکید بر اینکه رئیس‌جمهور این کشور باید از اعضای ارتش باشد، اعلام کرد: تحصن کنندگان در میدان رابعه العدویه «شستشوی مغزی» شده بودند.

روزنامه مصری الیوم السابغ با انتشار نواری صوتی منسوب به حسنی مبارک، دیکتاتور سابق مصر به نقل از وی اعلام کرد: پیشتر بر

این باور بودم که عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع مصر وابسته به اخوان المسلمین است، اما برآیم ثابت شد که وی شخصی زیرک است.

مبارک با بیان این که رئیس‌جمهور مصر باید از اعضای ارتش این کشور باشد، عنوان داشت: حبیب العادلی، وزیر داخله سابق مصر می‌توانست سه روزه اوضاع کشور را آرام کند، در حالی که سامی عنان، رئیس سابق ستاد ارتش مصر این توانایی را نداشت.

دیکتاتور سابق مصر در ادامه به تجمعات اخیر حامیان اخوان المسلمین و محمد مرسی، رئیس‌جمهور برکنار شده مصر در میدان‌های رابعه العدویه و النهضه اشاره و اعلام کرد که تحصن کنندگان در میدان رابعه العدویه «شستشوی مغزی» شده بودند. وی تأکید کرد که محمد مرسی با اتخاذ تصمیم آزادی «تروریست‌ها» باعث هرج و مرج در شبه جزیره سیناء شد.

مبارک در ادامه امریکا را آغازگر انقلاب جنوری سال ۲۰۰۵ خواند و گفت: من در سال ۲۰۱۰ احساس کردم که امریکا به هر طریقی شده، قصد دارد مرا برکنار کند، امریکایی که داستان انتقال وراثتی حکومت به پسرم جمال را مطرح کرد.

وی مدعی شد: حماس سربازان مصری را در مرزهای مصر با غزه به قتل رساند، اما غیر ممکن است که مرسی در این مورد حرفی به میان آورد و یا درباره آن تحقیق کند؛ زیرا این خود حماس بود که مرسی را از زندان فراری داد.

مبارک در پایان اعضای اخوان المسلمین مصر را «افرادی دیوانه» توصیف کرده که سربازان مصری را می‌کشند و درصدد برهم زدن نظم ارتش هستند.

وی در خصوص تظاهرات حامیان محمد مرسی که از زمان عزل وی تا کنون ادامه یافته است، گفت: اگر اخوانی‌ها مجدداً بازداشت شوند، تظاهرات آن‌ها پایان می‌یابد. دیکتاتور سابق مصر از این مسئله پرده برداشت که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پیش از برکناری نظام وی به او پیشنهاد داده بود که ساکنان نوار غزه را در شبه جزیره سیناء سکنی دهد، اما وی با این امر مخالفت کرد.

## گام اصلی در توافق روسیه با امریکا را دمشق برداشت



دیکتاتور مصر با تأکید بر اینکه رئیس‌جمهور این کشور باید از اعضای ارتش باشد، اعلام کرد: تحصن کنندگان در میدان رابعه العدویه «شستشوی مغزی» شده بودند.

روزنامه مصری الیوم السابغ با انتشار نواری صوتی منسوب به حسنی

مبارک، دیکتاتور سابق مصر به نقل از وی اعلام کرد: پیشتر بر این باور بودم که عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع مصر وابسته به اخوان المسلمین است، اما برآیم ثابت شد که وی شخصی زیرک است.

مبارک با بیان این که رئیس‌جمهور مصر باید از اعضای ارتش این کشور باشد، عنوان داشت: حبیب العادلی، وزیر داخله سابق مصر می‌توانست سه روزه اوضاع کشور را آرام کند، در حالی که سامی عنان، رئیس سابق ستاد ارتش مصر این توانایی را نداشت.

دیکتاتور سابق مصر در ادامه به تجمعات اخیر حامیان اخوان المسلمین و محمد مرسی، رئیس‌جمهور برکنار شده مصر در میدان‌های رابعه العدویه و النهضه اشاره و اعلام کرد که تحصن کنندگان در میدان رابعه العدویه «شستشوی مغزی» شده بودند. وی تأکید کرد که محمد مرسی با اتخاذ تصمیم آزادی «تروریست‌ها» باعث هرج و مرج در شبه جزیره سیناء شد.

مبارک در ادامه امریکا را آغازگر انقلاب جنوری سال ۲۰۰۵ خواند و گفت: من در سال ۲۰۱۰ احساس کردم که امریکا به هر طریقی شده، قصد دارد مرا برکنار کند، امریکایی که داستان انتقال وراثتی حکومت به پسرم جمال را مطرح کرد.

وی مدعی شد: حماس سربازان مصری را در مرزهای مصر با غزه به قتل رساند، اما غیر ممکن است که مرسی در این مورد حرفی به میان آورد و یا درباره آن تحقیق کند؛ زیرا این خود حماس بود که مرسی را از زندان فراری داد.

مبارک در پایان اعضای اخوان المسلمین مصر را «افرادی دیوانه» توصیف کرده که سربازان مصری را می‌کشند و درصدد برهم زدن نظم ارتش هستند.

وی در خصوص تظاهرات حامیان محمد مرسی که از زمان عزل وی تا کنون ادامه یافته است، گفت: اگر اخوانی‌ها مجدداً بازداشت شوند، تظاهرات آن‌ها پایان می‌یابد. دیکتاتور سابق مصر از این مسئله پرده برداشت که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پیش از برکناری نظام وی به او پیشنهاد داده بود که ساکنان نوار غزه را در شبه جزیره سیناء سکنی دهد، اما وی با این امر مخالفت کرد.

### روزنامه عبری زبان دیدیوت آحرونوت

# همه نگاه‌ها به جنرال السیسی

هستند. اما طرح‌های السیسی رو به تزلزل است. جنگ علیه تروریسم در شبه جزیره سیناء، مشکل بزرگ رکود اقتصادی، تصویب قانون اساسی جدید، انتخابات پارلمان و پیچیده‌ترین مساله: اینکه منابع نیل تحت کنترل مصر باقی بمانند. همچنین روابط مصر با جهان را نیز نباید فراموش کرد و ایجاد تصویری پایدار از شرایط مصر در جامعه جهانی نیز سخت است. ترغیب سرمایه‌گذاران به بازگرداندن سرمایه، بازگشت توریست‌ها، حفظ امنیت کانال سوئز، تسویه حساب قاطع با



بشار اسد که آینده سیاسی، سرنوشت شخصی و قدرتش همچنان کشورهای غربی و اسرائیل را به خطر می‌اندازد، مرد سال نیست، بلکه کسی که مصر را در دست گرفته است، برجسته‌ترین شخصیت سال است.

جنرال عبدالفتاح السیسی که قدرتمندترین شخص در مصر است، همه اختیارات را در دست گرفته تا به گفته خودش با آدم‌های شرور مبارزه کند. السیسی هدف خود را تجزیه اخوان‌المسلمین قرار داد و با تمام توان در راه رسیدن

به آن اقدام کرده است. رهبران این جنبش به زندان افتادند و اعضای درجه دو آن نیز در میادین با تانک‌های ارتش مصر روبرو شدند. حتی فراتر از آن شبکه‌های تلویزیونی مانند الجزیره نیز که اخبار این جنگ بین سکولارها و مذهبی‌های مصر را مخابره می‌کردند، تعطیل شدند.

تشخیص دادن دلایل ناراحتی اخوان‌المسلمین سخت نیست. آنها مار در آستین خود پروراندند. هنگامی که محمد مرسی، رئیس‌جمهوری مخلوع مصر السیسی را در سه سمت ابقا کرد- وزیر دفاع، فرمانده ستاد مشترک ارتش و رئیس شورای عالی نیروهای مسلح- اطمینان داشت که انتخاب درستی انجام داده است و السیسی «خودی» است.

السیسی که به خود اجازه رویارویی با باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا را داد، طراحی چهره جدید مصر پس از پشت سر گذاشتن سه انقلاب در کمتر

از دو سال را وظیفه خود می‌داند و در حالی که این جنرال کاریزماتیک در خیابان‌های قاهره می‌جنگد و وزیر کشور مصر از سوء قصد جان سالم به در می‌برد، تحمل شنیدن یاره‌های دیگران در خصوص دموکراسی را ندارد!

وقتی که اخوان‌المسلمین مصر را به درد سر انداختند، السیسی اعتماد و ایمان خود به آنها را از دست داد. دو هفته پیش که تصاویر السیسی روی همه دیوارها بود و در برنامه‌های تلویزیونی از او به عنوان نجات‌بخش مصر یاد می‌شد، او قسم خورد که خواهان پست ریاست جمهوری نیست. با این حال مردم مصر معتقدند که حتی در این حال نیز او

مصر را از سمت‌های پایین‌تر هدایت خواهد کرد. آنها معتقدند که السیسی قصد دارد با ورود به صحنه سیاست در لحظه آخر همه را غافلگیر کند. اگر این کار را انجام دهد پیروز انتخابات خواهد بود زیرا میلیون‌ها مصری برای ارتش احترام قائل

## پدر بمب اتمی پاکستان حزب سیاسی خود را منحل کرد



عبدالقدیر خان، پدر بمب اتمی پاکستان پس از آنکه حزب سیاسی‌اش نتوانست در انتخابات پارلمانی ۱۱ می این کشور حتی یک کرسی در پارلمان به دست بیاورد، حزب سیاسی خود را منحل کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، عبدالقدیر خان که ۷۷ سال سن دارد، در کشورش به دلیل ساخت نخستین بمب اتمی جهان اسلام یک قهرمان تلقی می‌شود. وی در ماه جولای سال گذشته میلادی حزب سیاسی خود تحت عنوان تحریک تحفظ پاکستان (جنبش نجات پاکستان) را تشکیل داد.

عبدالقدیر خان در مصاحبه‌یی به خبرگزاری فرانسه گفت: درست است، من حزب سیاسی خود را منحل کرده‌ام.

حزب سیاسی عبدالقدیر خان ۱۱۱ کاندیدا را برای کرسی‌های متفاوت انتخابات پارلمانی و مجمع‌های استانی شرکت داد اما هیچ کدام از آنها نتوانستند حتی یک کرسی کسب کنند.

عبدالقدیر خان افزود که نمی‌خواهد حالا که دولت حاکم انتخاب شده بر سر راه آن مانع ایجاد کند.

وی تأکید کرد: انتخابات دیگر در کشور برگزار شده و مردم حکم خود را به نواز شریف، عمران خان و حزب مردم پاکستان داده‌اند و ما باید به آنها اجازه دهیم با آرامش کار کنند.

در انتخابات ۱۱ می پاکستان، حزب مسلم لیگ نواز پاکستان پیروز شد و بدین ترتیب رهبر آن نواز شریف نخست‌وزیر شد. از طرف دیگر، حزب تحریک انصاف پاکستان متعلق به عمران خان و حزب مردم پاکستان دولت‌های خود را در ولایت خیبر پختونخوا در شمال غرب و ولایت سند در جنوب پاکستان تشکیل دادند.

با وجود این عبدالقدیرخان گفت، حزبش همچنان عملکرد دولت پاکستان را تحت نظر داشته و اگر مقامات نتوانند عملکرد مناسبی داشته باشند حزبش مجدداً فعال خواهد شد.



بخش نهم

# بحران دموکراسی مدرن در فاصله دو جنگ جهانی

نویسنده: ریچارد بسل  
برگردان: آراز امین نصری

وضعیت استثنایی آمریکا، انگلستان و فرانسه تصویری که تا این‌جا ارایه شد، حال و هوایی منفی و بدبینانه داشت؛ در حالی که قرن نوزدهم، قرن پیشبرد دموکراسی بود، دوره مورد بحث این نوشته، زمانه پسرقت و عقب‌نشینی آن بود. اما پیش از رسیدن به این جمع‌بندی که دموکراسی در فاصله دو جنگ در تمام جهان در حال عقب‌نشینی بوده است، باید استثناهای مهم زیر را هم در نظر گرفت: انگلستان، فرانسه، کشورهای بلوکس و اسکاندیناوی و شاید مهم‌تر از همه: ایالات متحده. یقیناً این تضاد نیست که هیچ‌کدام از این کشورها جزو بازنده‌گان جنگ جهانی اول نبودند، اما چالش‌هایی هم که به نظام سیاسی آن‌ها پس از جنگ وارد شد، کوچک و بی‌اهمیت نبودند.

از بین تمام کشورهای بزرگ صنعتی، اقتصاد تنها در آمریکا به اندازه‌ای با انقباض شدید روبه‌رو شد. میلیون‌ها نفر از کار بی‌کار شدند، «هورور ویل‌ها» (زاغه‌هایی که محل سکونت مردان بی‌کار و بی‌خانمان بودند)، چشم‌انداز شهری آمریکا را تیره کردند. صدها بانک تعطیل شدند و سپرده‌گذاران خود را بی پول رها کردند. اما با وجود این همه یأس و رکودی که میلیون‌ها نفر تجربه کردند، نظام سیاسی عملاً دست نخورده باقی ماند؛ روند سیاست دو حزبی با دوره‌های انتخاباتی چهارساله توانست دوام پیدا کند و رئیس‌جمهور جدید لبخند بر لب توانست شعبده خیرکننده‌ی را به اجرا گذارد: متقاعد کردن رای‌دهنده‌گان

اکثریت بود. در انگلستان پارلمان [تنها] نهاد قابل قبول و مشروع سیاسی باقی ماند، حال آن‌که در آلمان چنین نشد. پس چه‌گونه باید این مساله را تبیین کرد که آلمان آدولف هیتلر را برگزید، آمریکا فرانکلین روزولت را و انگلستان (پس از دوره کودتا تصدی رمزی مک دونالد) استنلی بالدوین را؟ انگلستان و آمریکا (البته به جز بالدوین و روزولت) چه چیز دیگری داشتند که آلمان نداشت؟ یقیناً هر دو کشور آمریکا و انگلستان از این مزیت برخوردار بودند که پیروز جنگ ۱۹۱۸ بودند، در حالی که آلمان باید با پیامدهای سیاسی و همین‌طور اقتصادی و اجتماعی شکست در جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کرد. اما شاید واقعیت مهم‌تر این باشد که بر خلاف آلمان، دو کشور اول هر دو ثبات سیاسی قابل ملاحظه‌ی از خود نشان دادند. نهادهای سیاسی دموکراتیک و پارلمانی انگلستان و آمریکا تاریخچه‌ی طولانی داشتند و طی چندین دهه توسعه پیدا کرده بودند و این بسیار بدیهی فرض می‌شد که سیاست باید در درون این نهادهای دموکراتیک و پارلمانی جاری شود. در نتیجه این نهادها آن‌طور که در آلمان اتفاق افتاد، زیر سوال نرفتند. در انگلستان هیچ سخنی بر سر کنار گذاشتن حکومت پارلمانی به گوش نمی‌رسید و در آمریکا هم هیچ بحثی درباره تعطیلی قانون اساسی یا کنگره وجود نداشت که ایجاد فشار نماید یا افکار عمومی را به خود جلب کند؛ در حالی که در آلمان اوضاع به این گونه بود. این حقیقت هم با اهمیت است که احزاب اصلی انگلستان و آمریکا می‌توانستند روی طرفداران‌شان اعمال نظارت کنند و بنابراین آن‌ها را در چارچوب سیاست پارلمانی و

بودند، در آلمان حمایت از محافظه‌کاران و لیبرال‌ها به شکل چشم‌گیری کاهش یافت و فضا را برای پیش‌روی حزب مسلح و ضد دموکراتیک نازی گشود. شاید مهم‌ترین چیزی که انگلستان از آن بهره‌مند بود و آلمان نبود، یک حزب قوی محافظه‌کار بود که می‌توانست پایگاه حزبی خود را در چهارچوب سیاست پارلمانی حفظ کند. استثنای دیگر در فاصله میان دو جنگ، فرانسه بود که شواهد بیشتری در مورد دلایل سقوط یا بقای حکومت دموکراتیک به‌دست می‌دهد. هرچند جمهوری سوم فرانسه در فاصله دو جنگ زیر تنش قرار گرفت، تقریباً توانست تا وقوع فاجعه سال ۱۹۴۰ دوام بیاورد. به‌رغم شکاف‌های عمیق سیاسی بین راست و چپ، جمهوری سوم از برخی مزایا بهره‌مند بود که جمهوری وایمار آن‌ها را نداشت. یکم این‌که فرانسه به عنوان پیروز از جنگ اول جهانی بیرون آمد و اگرچه صدمات جانی و مالی بسیار بزرگ‌تری نسبت به انگلستان و آمریکا دیده بود، دست‌کم میراث پیروزی در جنگ را در کارنامه خود داشت. دوم این‌که اقتصاد فرانسه به اندازه آلمان در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ از بحران آسیب ندیده بود؛ وضعیت تورم در فرانسه در فاصله دو جنگ در مقایسه با کاپوس تورم در آلمان، ملایم بود و افول اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ فرانسه را آرام‌تر، تدریجی‌تر و دیرتر از آلمان زیر تاثیر قرار داد (بحران در فرانسه در ۱۹۳۵ از اوج خود رسید). سوم این‌که فرانسه دارای یک سنت طولانی جمهوری‌ت بود و بنابراین حکومت دموکراتیک از درجه مشروعیت مردمی بالاتری در مقایسه با آلمان بهره‌مند بود. حتا در فوریه ۱۹۳۴ که گروه‌های دست راستی Anciens Combattants



بخش سوم و پایانی

## خودشیفته‌گی فرهنگی و ناکامی قومی

داکتر احمدعلی نوربالا

راهکارهای پیش‌گیرانه از شکل‌گیری مدیریت خودشیفته

در مقابل مدیریت خودشیفته، راهکارهایی وجود دارد که استفاده از آن‌ها می‌تواند باعث پیش‌گیری از شکل‌گیری مدیریت خودشیفته در سازمان‌ها شود. از جمله این موارد، می‌توان به اعمال ارزیابی سلامت روانی در نظام انتخاب مدیران، ترغیب به تشکیل انجمن‌های صنفی و نیز جوامع مدنی، شفافیت و اطلاع‌رسانی در تمام کارکردهای مدیریتی، پاسخ‌گو بودن تمام کانون‌های قدرت اعم از تقنینی، اجرایی، مالی، امنیتی، قضایی و نظامی به زیرمجموعه‌ها، ایجاد سازوکار قانونی مصونیت برای انتقاد از مدیریت، تقبیح رفتار تکبر و تملق و ترویج رفتار تواضع و تعامل و در نهایت، چرخشی بودن و محدود بودن دوره مدیریت افراد اشاره کرد.

سازوکار عدم احساس بی‌نیازی

از دیدگاه آفریدگار متعال، عدم احساس بی‌نیازی و به عبارتی ضرورت پاسخ‌گویی هر فردی و مدیری به ذی‌ربطان و ذی‌نفعان، علاوه بر خداوند حاضر و ناظر، مهم‌ترین سازوکار مقابله با شکل‌گیری فرد و مدیریت خودشیفته (طاغی) است.

خودشیفته‌گی فرهنگی

بر اساس نظر مردم‌شناسان، بیشتر افراد جامعه ویژه‌گی «پیرو» بودن و گروه اندکی، ویژه‌گی «رهبر» بودن را دارند. اگر ارزش‌ها و رفتارها و در مجموع، ویژه‌گی‌های بارز خودشیفته‌گی در گروه کثیری از جمعیت یک قوم، جامعه یا کشور، به تبعیت از رهبران و فرهنگ‌سازان آن اجتماع، آگاهانه یا ناآگاهانه، فعالانه یا منفعلانه، نهادینه شود و این ویژه‌گی‌ها در سبک زنده‌گی مردم خود را نمایان کند، می‌توان گفت بنیاد «خودشیفته‌گی فرهنگی» شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری است.

شواهد دینی در مورد خودشیفته‌گی

در ادبیات قرآنی واژه‌های «بغی و طغی» معادل خودشیفته‌گی است. «بغی» به معنی «طلب توأم با تجاوز از حد»، «زیاده‌خواهی»، «ستم و سرکشی» و «طغی» به معنی «تجاوز از حد و اندازه» آمده است. مسیر بغی و طغی در قرآن مسیر تنازلی است و خسران نفس، ظلم به نفس، هبوط، هلاکت، عذاب الهی و نفرین الهی را در پی دارد. در قرآن، شیطان نماد خودشیفته‌گی است و خداوند در آیه‌های ۱۲ و ۱۳ سوره اعراف می‌فرماید: «هنگامی که تو را امر کردم، چه چیز تو را مانع شد که سجده نکردی؟» گفت: «من از او بهترم، مرا از آتش پدید آورده‌ای و او را از گل». خداوند فرمود: «از این جایگاه و منزلت فرود آی، زیرا تو را نرسد که در این جایگاه بلند، بزرگ‌منشی کنی، پس بیرون شو که قطعاً از خوارشده‌گانی.» در آیه ۲۳ سوره یونس بیان شده است که بازتاب زیاده‌خواهی و ستم، به خود آدمی بازمی‌گردد.

[پس هنگامی که آنان را نجات بخشید، ناگهان در زمین به ناحق تجاوز و سرکشی می‌کنند. ای مردم! تجاوز و سرکشی (بغی) شما فقط به زیان شماست. چند روزی محدود از کالای زنده‌گی دنیا بهره برید؛ آن‌گاه بازگشت‌تان به سوی ماست؛ پس شما را به اعمالی که همواره انجام می‌دهید، آگاه می‌کنیم.] در آیه ۳۶ سوره بقره نیز هبوط حضرت آدم و حوا ناشی از تاثیر وسوسه شیطان بیان شده است.

هم‌چنین در آیه‌های ۷۸، ۷۹ و ۸۱ سوره قصص، هلاکت فردی ناشی از زیاده‌خواهی فردی بدون پیروی جمعی، بیان شده و در آیه‌های ۵۱ تا ۵۶ سوره زخرف و ۳۸ تا ۴۲ سوره قصص، به هلاکت قومی ناشی از ظلم جمعی اشاره شده است.

در آیه ۱۸۸ سوره آل عمران به عدم رهایی افراد خودشیفته از عذاب دردناک اشاره شده و آمده است: «البته پندار کسانی که به آن‌چه انجام دادند، شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آن‌چه انجام نداده‌اند ستایش شوند [از عذاب خدا در امان هستند] پس گمان مبر که برای آن‌ها نجاتی از عذاب است، [بلکه] برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.»

یادآوری

باید توجه کرد که آرمان‌خواهی، افق‌نگری و بلندپروازی‌های عاقلانه، جلوه‌هایی از کمال‌طلبی انسانی هستند. خودشناسی و واقع‌بینی، چراغ راه مسیر کمال و کمال آدمی، محصول تلاش او است. تاریخ و تجربه به ما می‌گوید مسیر طولانی، پریچ‌وخم و با فراز و فرود راه کمال و سعادت، نه تنها افراد بلکه اقوام و ملل خودبزرگ‌بین و غیر واقع بین را به سراشیبی گمراهی، ناکامی و نابودی سوق می‌دهد.



انگلستان و آمریکا (البته به جز بالدوین و روزولت) چه چیز دیگری داشتند که آلمان نداشت؟ یقیناً هر دو کشور آمریکا و انگلستان از این مزیت برخوردار بودند که پیروز جنگ ۱۹۱۸ بودند، در حالی که آلمان باید با پیامدهای سیاسی و همین‌طور اقتصادی و اجتماعی شکست در جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کرد. اما شاید واقعیت مهم‌تر این باشد که بر خلاف آلمان، دو کشور اول هر دو ثبات سیاسی قابل ملاحظه‌ی از خود نشان دادند. نهادهای سیاسی دموکراتیک و پارلمانی انگلستان و آمریکا تاریخچه‌ی طولانی داشتند و طی چندین دهه توسعه پیدا کرده بودند و این بسیار بدیهی فرض می‌شد که سیاست باید در درون این نهادهای دموکراتیک و پارلمانی جاری شود. در نتیجه این نهادها آن‌طور که در آلمان اتفاق افتاد، زیر سوال نرفتند

و دیگران به طرف ساختمان پارلمان فرانسه راه‌پیمایی کردند و سعی در حمله به آن داشتند، بازهم اساساً تمایلات جمهوری‌خواهانه بر آن‌ها غالب بود (پروست ۱۹۷۷: ۱۵۹-۶۸). مانند انگلستان و آمریکا برخلاف آلمان، در فرانسه هم مشروعیت ساختار سیاسی به معنای واقعی زیر سوال نرفت.

دموکراتیک نگه‌دارند؛ کاری که همتایان لیبرال و محافظه‌کار آن‌ها در آلمان نتوانستند انجام دهند. در حالی که در انگلستان، طرفداران لیبرال‌ها و محافظه‌کاران عمدتاً به طرفداری خود از حزب مطبوع‌شان بر سر صندوق‌های رای ادامه دادند و در آمریکا هم طرفداران جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها این‌گونه

به این‌که «تنها چیزی که باید از آن بترسید، خود ترس است». تضاد آمریکا با آلمان چشم‌گیر بود؛ به همان میزان هم تضاد میان انگلستان و آلمان. بریتانیا هم هرچند با شدتی بسیار کم‌تر از آلمان با فروپاشی اقتصادی در ابتدای دهه ۱۹۳۰ روبه‌رو شد، اما تنش‌هایی که بحران اقتصادی بر نظام سیاسی وارد کرد، مشابهت‌های زیادی در دو کشور داشت. به خصوص مشکلی که دولت کارگری انگلستان در ۱۹۳۱ با آن برخورد کرد (چه‌گونه‌گی برخورد با پیامدهای مالی رشد بی‌کاری)، دقیقاً همانی بود که آخرین دولت جمهوری وایمار به رهبری سوسیال دموکرات‌ها با اکثریت پارلمانی در برخورد با آن درهم شکست. در حالی که اعضای حزب کارگر در انگلستان نمی‌توانستند زیر بار قطع مزایای بیکاری بروند، سوسیال دموکرات‌های آلمان هم نمی‌توانستند افزایش مزایای کارگران را بپذیرند. اما هنگامی که پس از سقوط ائتلاف به رهبری سوسیال دموکرات‌ها در آلمان دولت‌ها به شکل روزافزونی پارلمان را نادیده می‌گرفتند و آن را دور می‌زدند، در انگلستان یک «دولت ملی»، اساساً محافظه‌کار تشکیل شده بود که به طور پیوسته در پارلمان دارای



**خواجه بشیر احمد انصاری**  
**بخش نخست**



آخرین نهادی که مسلمانان آن را خلافت می‌پنداشتند و به نام‌های «امپراتوری عثمانی» و «دولت علیّه عثمانیه» شناخته می‌شد، در سال ۱۹۲۴ میلادی فرو ریخت. سقوط این دستگاه کهن، واکنشی را در سراسر جهان

اسلام برانگیخت و باعث ظهور جنبش‌هایی در شرق و غرب جهان اسلام گردید. چهار سال بعد از این سقوط بزرگ (۱۹۲۸ میلادی)، جنبش اخوان‌المسلمین در مصر تأسیس گردید، هفده سال بعد از آن (۱۹۴۱ میلادی)، جماعت اسلامی پاکستان پا به عرصهٔ وجود گذاشت، و پس از گذشت بیست‌ونه سال از آن حادثه (۱۹۵۳ میلادی)، گروهی به نام حزب تحریر از سوی یک قاضی فلسطینی به نام تقی‌الدین نبهانی در فلسطین تأسیس گردید. اندیشه‌های جماعت اسلامی و رهبر آن مرحوم مودودی به علت نزدیکی جغرافیایی، و افکار حسن‌البنّا و سید قطب به علت تأثیرپذیری دانشجویان افغانستان از آن‌ها در مصر، وارد افغانستان گردید. در این میان، نقش مترجمان ایرانی را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت؛ مترجمانی که ادبیات این جنبش‌ها را به فارسی ترجمه می‌کردند و نظر به مشترکات زبانی و فرهنگی افغانستان و ایران، این افکار وارد افغانستان می‌شد تا عطش جوانان تشنه‌کامی را فرو نشاند که هوای تغییر در سر و آتش دین در دل داشتند. در این میان، صدای مرحوم تقی‌الدین نبهانی و ادبیات سیاسی او تا همین چند سال اخیر، مخاطبی در افغانستان نیافت.

اگر نهضت‌های اسلامی بر امر سیاست و حکومت تأکید فراوان نموده و برخی از این جنبش‌ها ابعاد دیگر دین را در برخی از موارد فراموش نموده‌اند، حزب تحریر سیاسی‌ترین این جریان‌ها به حساب می‌آید. حزب تحریر خود را حرکتی کاملاً سیاسی دانسته و مهم‌ترین اصلی که بر آن تأکید می‌کند، خلافت است. آقای نبهانی به‌صراحت اعلام نموده است که تعلیم و تربیه و وعظ و ارشاد و امر به نیکی و نهی از بدی و تأکید بر فضیلت‌های اخلاقی وظیفهٔ حزب او نبوده، بلکه آن‌چه رسالت ایشان می‌باشد، دعوت برای احیای خلافت است و بس. تو گویی خلافت عصبایی است جادویی که با آمدن آن تمامی مشکلات جامعه حل خواهد گردید. تو گویی جن و انس تنها به‌خاطر تأسیس خلافت آفریده شده‌اند. تقی‌الدین نبهانی در صفحهٔ ۱۸ رسالهٔ «التکفل الحزبی» خویش به صراحت می‌نویسد: «ان الأمم لا تنهض بالاخلاق وانما بالعقائد والافکار التي تحملها وبالانظمة التي تطبقها» به این معنی که امت‌ها بر مبنای اخلاق پیشرفت نمی‌کنند، بلکه در اثر افکار و اندیشه‌هایی که حامل آن‌اند و نظام‌هایی که آن را تطبیق می‌نمایند، ترقی می‌کنند. در صفحات ۲۶ و ۲۷ رسالهٔ «منهج حزب‌التحریر» که از منشورات اساسی این حزب می‌باشد آمده است: «فالدعوة الى الاخلاق الفاضله ليست دعوة لحل قضية المسلمين المصيرية» یعنی دعوت به فضایل اخلاقی دعوت برای حل مشکل اساسی مسلمانان نیست. در همین رساله باز تکرار شده است که حزب تحریر، دارای رویکردی سیاسی است نه تعلیمی و وعظی و ارشادی و اخلاقی.

نادیده انگاشتن و یا کم‌توجهی به اصول اخلاقی، یکی از انتقادهایی است که به این حزب برمی‌گردد. اگر قرار باشد که متود انقلاب پیامبر اسلام اساس کار قرار گیرد، طوری که همه مدعی آنیم، پس باید دانست که پیامبر خود فرموده است «انما بعثت لأمم مکارم الاخلاق» یعنی من فرستاده شده‌ام تا فضیلت‌های اخلاقی را به پایهٔ کمال برسانم. در این‌جا «انما» اداهٔ حصر است، تو گویی پیامبر می‌گوید که من تنها به همین منظور فرستاده شده‌ام. قرآن هم در این باب می‌فرماید: «و انک لعلى خلق عظیم» یعنی تو دارای اخلاق بزرگی هستی. در این‌جا می‌بینیم که نمی‌گوید تو دارای خلافت عظیم و حکومت عظیم و فلسفهٔ سیاسی عظیم هستی، بلکه بر اهمیت جنبه‌های اخلاقی رسالت پیامبر تأکید می‌نماید. زمانی که جعفر ابن ابی‌طالب نزد نجاشی رفت، نجاشی از او پرسید شما کیستید و پیامبرتان چه کسی است. تعریفی که جعفر از پیامبر و رسالت او نمود، تنها بر هویت اخلاقی او و رسالتش اشاره داشت که تفصیلات آن را می‌توان در کتاب‌های سیرت جست‌وجو نمود. اخلاق، اساس جوامع و زیربنای تمدن‌ها و اصول پایهٔ حکومت‌هاست که حداقل آن را در جوامع امروزی قانون می‌نامند. به نظر من، حل مشکل اساسی مسلمانان، رابطه با اخلاق دارد، پیش از این‌که به چیز دیگری ارتباط داشته باشد. پیامبر اسلام در عصر مکی، همهٔ تلاش خویش را در جهت تربیت اخلاقی و اعتقادی یارانش متمرکز ساخته بود، زیرا می‌دانست که دولتی و تمدنی و جامعه‌یی را که مد نظر دارد، ممکن نیست در غیاب اخلاق ایجاد گردد.

حزب تحریر در مسیر داعیهٔ خلافت تا حدی پیش می‌رود که تمامی جهان اسلام را «دارالکفر» می‌خواند، سخنی که از شنیدن آن مو بر بدن راست می‌گردد. مرحوم نبهانی در صفحهٔ ۲۴۸ جلد دوم رسالهٔ «شخصیت اسلامی» خویش به صراحت می‌نویسد: «فان جمیع بلاد المسلمين الیوم هی دار

# نیم‌نگاهی به حزب تحریر

**تأسیس خلافت و گرفتن جزیه از کفار و آزاد کردن اندلس و مقهور ساختن دشمنان**

**اسلام و از میان برداشتن تمامی مرزهای سیاسی و ... و باز تطبیق همهٔ این برنامه‌ها از**

**راه سخنرانی‌های آتشین و جدل‌های سوفسطایی‌گونه، شاید چند جوان را به وجد آورد**

**ولی به هیچ صورت نمی‌تواند راهی را فراروی امتی بگشاید که از قرن‌ها بدین‌سو در**

**سراسرین انحطاط قرار گرفته است. سقوط آخرین خلافت، نتیجهٔ این انحطاط ژرف و**

**پهناور در اخلاق و آگاهی بود، نه علت آن**



زیر نام خلافت در تاریخ مسلمانان صورت گیرد. دست جنایت را نه نصیحت‌نامه‌های نصیحت‌نامه‌نویسانی چون غزالی و نظام‌الملک و روزبهان و دیگران توانست بگیرد، نه قواعد فقهی التماس‌خواهانهٔ فقها و نه هم اشعار دادخواهانهٔ سخنوران بزرگ. ابن حجر عسقلانی و نویسندهٔ اغانی و سایر کتب ادب و تاریخ، حکایت‌های هولناک شراب و جنس برخی از این خلفا را ثبت نموده‌اند که نه تنها انسان مسلمان، بلکه حتا پیشانی یک انسان غیرمسلمان غربی قرن بیست‌ویکم نیز از خواندن آن عرق خواهد نمود که کتاب هزار و یک شب، انعکاس گوشه‌یی از آن شب‌های گناه‌آلود آن زمان است. آیا کدام مکانیزم فعال و کارآمدی در جهت کنترل این‌همه عریبه و لجام‌گسیخته‌گی وجود داشت. دموکراسی‌های معاصر هزار عیب دارند، ولی در همین دموکراسی‌ها ضمانت‌هایی را برای انجام کردن قدرت و مهار نمودن زمام‌داران ایجاد نموده‌اند که نمونه‌های فراوان آن را امروز در جهان می‌بینیم؛ امری که با ارزش‌ها و اصول دینی ما همخوانی دارد ولو که با اشکال سنتی حکومت در تاریخ کهن ما هماهنگی نداشته باشد. برطرف نمودن رهبران و مسوولان بزرگ کشورها و یا تحقیق با آن‌ها که پس از هر چند ماهی می‌شونیم نمونهٔ بارز سلطهٔ قانون در این جوامع می‌باشد. در دموکراسی‌های نوین مدت محدودی را برای رهبران کشورها در نظر گرفته‌اند، ولی در نظام خلافت این مدت تا مرگ خلیفه ادامه می‌یابد که این حکم با اوضاع و شرایط دشوار آن دوران همخوانی داشت؛ اما این موضوع نه وحی منزل است و نه اصلی از اصول تغییرناپذیر دین شمرده می‌شود تا بر مبنای آن، تجارب مثبت تاریخ بشر را بی‌اعتبار اعلام نماییم. امیران حزب تحریر هم تا لحظهٔ مرگ‌شان امیر بوده‌اند، چنان‌که شیخ نبهانی و عبدالقدیر زلوم امیر دوم این حزب تا زمان وفات‌شان رهبری حزب تحریر را به دوش داشتند. حزب تحریر بدون آن‌که توجهی به مفهوم اصلی دموکراسی نماید، آن را نظامی کافر می‌داند غافل از این‌که دموکراسی نظامی بی‌طرف است. آنچه دموکراسی را رنگ می‌دهد، مردمی‌اند که در چهارچوب آن زنده‌گی می‌کنند. دموکراسی دین نیست، بلکه روش ادارهٔ دولت و جامعه می‌باشد؛ همان‌طوری که قوانین ترافیک حرکت عراده‌جات را تنظیم می‌نماید، دموکراسی رابطهٔ حاکم و محکوم و نظارت بر نهادهای دولتی را تنظیم می‌کند. آنچه در برابر اسلام قرار می‌گیرد، ادیان‌اند و آنچه در برابر دموکراسی قرار می‌گیرد، دیکتاتوری و استبداد می‌باشد نه اسلام. نظام سیاسی‌یی را که پیامبر اسلام آورد، بر مبنای رأی و نظر مردم مدینه بود و انتقال ایشان هم به مدینه، بر اساس دعوتی بود که مردم مدینه انجام دادند و دموکراسی هم چیزی جز این نیست. اما این‌که نظام فاسد کنونی افغانستان و انتخابات‌های

کفر» یعنی تمامی سرزمین‌های مسلمانان امروز دار کفر به شمار می‌رود. اما حزب تحریر متوجه نیست که چه امور خطرناکی بر این فتوا مترتب می‌گردد؛ اموری که کتاب‌های فقهی به تفصیل از آن سخن گفته‌اند. خلیفه‌یی که از دیدگاه حزب تحریر می‌تواند مشکلات جهان اسلام را از طنجه تا جاکارتا حل نماید، فردی است که حتا پنج تن می‌توانند او را بر کرسی خلافت جهان اسلام بنشانند تا از یک‌هزار و سه‌صد میلیون انسان روی زمین نماینده‌گی کند. مرحوم نبهانی در صفحهٔ ۴۷ جلد دوم رسالهٔ شخصیت اسلامی خویش می‌نویسد: «فلا یشرط عدد معین فیمن یقومون بنصب الخلیفه، بل ای عدد باع الخلیفه، وتحقق فی هذه البیعة رضا المسلمین بسکوتهم أو باقبالهم علی طاعته بناء علی بیعته، أو بای شی یدل علی رضاهم، یكون الخلیفه المنصوب خلیفهٔ المسلمین جمیعا ویكون هو الخلیفهٔ شرعا ولو قام بنصبه خمسة أشخاص». یعنی: در امر تعیین خلیفه، شمار رأی‌دهنده‌گان برای خلیفه شرط نیست، هر تعدادی که با خلیفه بیعت نماید و بقیهٔ مسلمانان سکوت اختیار نمایند و یا آن‌که از او اطاعت نمایند، و یا آن‌که کاری انجام دهند که به رضایت‌شان دلالت نماید، آن مرد خلیفهٔ شرعی تمامی مسلمانان خواهد بود ولو که تنها پنج تن او را نصب کرده باشند. این سخن نبهانی مرا به یاد افرادی افکند که در سال‌های اخیر جهاد افغانستان، ساحه‌یی را در صوبه سرحد پاکستان و شاید منطقهٔ «باره» خریده و خلافت اسلامی خویش را در آن اعلام نموده بودند. قبایل اطراف، علیه آن خلافت اعلام جنگ داده، خلیفهٔ فلسطینی و نایب سودانی او را به قتل رسانیده و خلافت آن‌ها را منهدم نمودند. من یقین دارم که تعداد کسانی که او را تعیین کرده بودند، بیشتر از پنج تن بودند و علامتی که مسلمانان خلافت او را نپذیرند هم ظاهر نشد. پرسش این است که نمی‌دانم حزب تحریر کجا بود تا به نصرت آن‌ها شتافته و جلو یاغی‌ها و باغی‌های قبایل را بگیرد و آن خلافت را از خطر سقوط نجات دهد. آنچه نبهانی و پیروان او به‌نام خلافت در تاریخ مسلمانان یاد می‌کنند، در غالب امر چیزی جز سلطنت نبوده است که به قوانین مربوط به آن را «احکام سلطانی» می‌نامیدند که به عنوان نمونه، سلاطین عثمانی همه با پیشوند سلطان شناخته می‌شدند نه خلیفه. پرسشی که مطرح می‌شود این است آیا اجتهاداتی که در زمینهٔ نصب و عزل و انتخاب و شرایط خلیفه در گذشته‌های دور صورت گرفته، پایان تاریخ بوده و یا این‌که ساحه‌یی برای اجتهاد باقی مانده است؟ رساله‌های حزب تحریر اسلامی از نظریاتی موج می‌زند که بیشتر آن ممکن نیست در عصر حاضر زمینهٔ تطبیق یابد. به عنوان مثال، نبود مکانیزمی فعال و قانون‌مند و کارآمد تا ناظر بر عمل کرد خلیفه باشد، باعث گردید که جنایت‌های هولناکی

نمایشی آن را سمبول دموکراسی بدانیم، دور از انصاف خواهد بود. جالب این‌که گاهی دوستان تحریری، رشوت و رشوت‌ستانی را محصول دموکراسی می‌دانند غافل از این‌که همین رشوت در سایهٔ «امارت» به اصطلاح اسلامی طالبان به صورت بی‌سابقه‌یی گسترش یافت و پس از آن هم ادامه یافت. پرسش این است که اگر رشوت‌ستانی محصول دموکراسی باشد، پس چرا این فساد در جوامع غربی کمتر از جوامع ما به چشم می‌خورد؟

من در صدد مقایسهٔ دموکراسی‌های غربی با تجربهٔ بشری نظام خلافت نیستم، ولی به عنوان یک مسلمان بر خود واجب می‌دانم تا حق را بگویم، زیرا حق نام معبود من است. در همین دموکراسی‌ها که حزب تحریر تمامی آن‌ها را نظامی کفری خوانده و بر تار عواطف مسلمانان با انگشت خلافت می‌کوبد، رئیس‌جمهوری نمی‌تواند فردی را به نا حق سبلی زند، چه رسد به قتل و تعذیب و شکنجهٔ آن‌ها؛ ولی در نظام‌هایی که خود را خلیفه و سایهٔ خدا در زمین می‌انگاشتند، آن نظام‌ها زمامدار درنده و خون‌خواری چون حجاج را در آغوش خویش پروریدند و آن والی نازدانه آن‌قدر انسان کشت که نه یهودی‌ها کشته بودند، نه مسیحی‌ها، نه امپراتوری روم، نه فارس و نه هیچ دشمن دیگری. در جمع کشته شده‌گان و تازیانه خورده‌گان حجاج، یاران پیامبر و تابعین و صالحان فراوانی دیده می‌شدند. برخی مورخان، کشته‌گان تیغ حجاج را یک‌صدویست هزار انسان مسلمان دانسته‌اند. فسادی که در دربار برخی از این خلفا موج می‌زد، جز در افسانه‌ها در جای دیگری یافت نمی‌شود. ای کاش به‌جای آن‌که تمرین مناظره نماییم، مغز خویش را از اسارت افکار تعبیه شده رها نموده و با مغزی باز به مطالعهٔ تاریخ و دین و سیاست بپردازیم تا حقیقت را همان‌طوری که هست ببینیم. من فکر نمی‌کنم این کار جوهر ایمان ما را در معرض خطری قرار دهد. هرگاه چشم‌مان را ببندیم، نمی‌توانیم چیزی را ببینیم. هرگاه دروازهٔ مغز را بستیم، نمی‌توانیم فکر نماییم.

باید اقرار نمود که اوضاع و شرایط دنیا تغییری بزرگ نموده و مسلمانان جزو این دنیا و تحولات آن‌اند. در عصر پیچیده‌یی که ما زنده‌گی می‌کنیم، چه‌طور می‌شود خطیب مسجلی بیاید و برنامهٔ سیاسی یک حزب را پی‌ریزی نماید و یک قاضی محکمه بیاید و استراتژی اقتصادی حال و آیندهٔ جهان اسلام را با تمام پیچیده‌گی‌هایش از طنجه تا جاکارتا تنظیم نماید و شاعری آمده و استراتژی جنگی مسلمانان را طرح نماید و سپس یک حزب این طرح‌ها را برای تمامی جهان اسلام مناسب بداند. مسایل جهان سیاست و اقتصاد و کشمکش‌های بزرگ دنیای ما به مراتب پیچیده‌تر از نظریات پیش پا افتاده‌یی است که امروز در این‌جا و آن‌جا مطرح می‌گردد و عواطف نسل جوان را تحریک می‌نماید. چه کسی می‌تواند پیچیده‌گی‌های اقتصاد و قدرت سیاسی معاصر را از راه حفظ و تکرار چند رسالهٔ کوچک و سطحی و یا چند نشریهٔ غیرتخصصی حل نماید؟!

هنگام صحبت از نظام سیاسی، میان دو چیز باید تفاوت قابل شد: یکی اصول و ارزش‌های ثابت دین چون عدالت و مساوات و شورا و محاسبه و مراقبت زمامداران و وحدت جامعهٔ اسلامی؛ و دیگری مکانیزم سیاسی دولت در تاریخ مسلمانان می‌باشد که چیزی جز یک تجربهٔ تاریخی نیست. چسپیدن بر مکانیزم و سخن گفتن از وزارت توفیض و وزارت تنفیذ و امثال آن در قرن بیست‌ویکم، خیلی مضحک به نظر می‌آید که اگر عملی شود، به استبداد و خودکامه‌گی خواهد انجامید؛ استبدادی که با دین جور نمی‌آید.

تأسیس خلافت و گرفتن جزیه از کفار و آزاد کردن اندلس و مقهور ساختن دشمنان اسلام و از میان برداشتن تمامی مرزهای سیاسی و ... و باز تطبیق همهٔ این برنامه‌ها از راه سخنرانی‌های آتشین و جدل‌های سوفسطایی‌گونه، شاید چند جوان را به وجد آورد ولی به هیچ صورت نمی‌تواند راهی را فراروی امتی بگشاید که از قرن‌ها بدین‌سو در سراسرین انحطاط قرار گرفته است. سقوط آخرین خلافت، نتیجهٔ این انحطاط ژرف و پهناور در اخلاق و آگاهی بود، نه علت آن. نکتهٔ دیگر این‌که توزیع هرچه بیشتر ثروت و توزیع هرچه بیشتر قدرت در میان مردم، روح این دین است که متأسفانه با تجربهٔ بشری خلافت در تاریخ مسلمانان چندان هماهنگی ندارد. قرآن می‌گوید «لکی لا یكون دولةٔ بین الاغنیاء منکم» یعنی تا آن‌که در میان توان‌مندان شما در گردش نباشد. ولی در موسسهٔ سیاسی خلافت نه تنها این‌که بیشتر خلفا خودشان را نمایندهٔ خدا در زمین می‌پنداشتند (خلفای چهارگانه مستثنی اند) که وزیران توفیض و وزیران تنفیذ ایشان صلاحیت‌هایی را در اختیار داشته‌اند که امروز تمامی وزارت‌خانه‌های یک کشور در اختیار ندارند.

در فقه سیاسی تقلیدی به جای این پرسش که چه‌گونه باید حکومت شود، این پرسش بیشتر مطرح بود که چه کسی باید حکومت نماید. بر مبنای این تیوری که لازمه‌اش تمرکز قدرت در دست امیر است، برای اجرای عدالت به سپردن قدرت به بهترین افراد جامعه اکتفا می‌شود، غافل از این‌که زمامدار مطلق ولو انسانی نیکوکار و عدالت‌پسند هم باشد ولی در غیاب نظارت فعال موسسات دیگر و سهم‌گیری قانون‌مند مردم نمی‌تواند عادل باشد.

فقه تقلیدی سیاست در حالی که حتا اطاعت از امیر ظالم، جاهل و فاسق را به حجت جلوه‌گیری از آشوب و فتنه و هرج‌ومرج و پذیرش امر واقعیت و حفظ یبضهٔ اسلام واجب می‌داند، هیچ نوع فرمول و متودی را که هم باعث بروز فتنه و آشوب نشود و هم جلوگیری و ستم و افزون‌طلبی زمامدار را بگیرد، ارایه نداده است، که بنیان‌گذار حزب تحریر و نظریه‌پردازان آن از این امر مستثنا نیستند.



در نشست اعلان موضع اجندای ملی درباره انتخابات:

# اجندای ملی از تشکیل دولت وحدت ملی در فرایند انتخابات حمایت می کند

هارون مجیدی

کارگزاران طرح «اجندای ملی» بر برگزاری انتخابات به موقع، شفاف، دموکراتیک و فراگیر در افغانستان تأکید کرده و گفته اند که هیچ بهانه‌یی مبنی بر عدم برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری پذیرفتنی نیست.

آنان می‌گویند اجندای ملی می‌خواهد که روند دموکراسی متوقف نشود و انتخابات به گونه شفاف، همه‌شمول و دموکراتیک برگزار گردد. کارگزاران طرح اجندای ملی، روز گذشته طی نشستی در هوتل کابل سرینا، موضع‌شان را در باره انتخابات آینده ریاست‌جمهوری ابراز داشته و گفته اند که تلاش برای به بیراهه کشاندن انتخابات، پیامدهای خطرناک دارد.

عبدالحمید مبارز یکی از کارگزاران طرح اجندای ملی در این کنفرانس که به منظور اعلان موضع «اجندای ملی» در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده برگزار شده بود، در پاسخ به پرسشی گفت: کسانی که تقاضا می‌کنند تا انتخابات در افغانستان صورت نگیرد، در حقیقت آن‌ها روند دموکراسی را در افغانستان قطع می‌کنند. افغانستان باید روند دموکراسی را ادامه دهد و در برابر حوادث مخمل امنیت مبارزه کند.

آقای مبارز با اشاره به وضعیت سیاسی و امنیتی پاکستان گفت: «ما دیدیم که در پاکستان هم حوادث اخلاص امنیت و حوادث تروریستی جریان داشت، حتی احزاب تهدید شدند تا در انتخابات حضور نیابند. مگر انتخابات در کشوری که سال‌ها با حکومت نظامی نفس کشیده بود، صورت گرفت.»

آقای مبارز با بیان این که این بار چهارم است که افغانستان حکومت مردم‌سالاری را تجربه می‌کند، گفت: «افسوس خواهد بود اگر ما دموکراسی را قطع کنیم و انتخابات صورت نگیرد. هیچ بهانه‌یی برای برگزار نشدن انتخابات وجود ندارد و طرح اجندای ملی به طور قاطع طرف‌دار برگزاری انتخابات عادلانه و شفاف است، حکومت هم امکانات این را دارد که انتخابات برگزار گردد، پس نباید بهانه‌یی وجود داشته باشد تا مانع انتخابات گردد.»

## تلفات نظامیان خارجی...

این بیانیه به علت اصلی مرگ این سرباز و هویت وی اشاره‌ای نکرده است.

از آغاز سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون ۳۳۷۳ نظامی خارجی بر اثر حوادث مختلف در افغانستان جان

خود را از دست داده‌اند.

بر اساس آمارهای موجود، امریکا با ۲۲۷۲ کشته، انگلیس با ۴۴۴ کشته و کانادا با ۱۵۸ کشته در صدر کشورهای قرار دارند که بیشتر تلفات را در افغانستان داشته‌اند.

همچنین فرانسه با ۸۶ کشته، آلمان با ۵۴ کشته و

## مذاکرات غیر رسمی بر...

ارشد احمدی معین سیاسی وزارت خارجه، اعضای هیات افغانستان در مذاکرات توافقنامه امنیتی هستند.

جیمز کابینگهام، سفیر امریکا در افغانستان و جنرال جوزف دانفورد فرمانده کل نیروهای ناتو، اعضای هیات امریکایی در گفت‌وگوها بر سر توافقنامه امنیتی می‌باشند.

### تاکید بر آزادی ملا برادر

وزارت خارجه افغانستان تأکید کرد که به منظور پیشبرد پروسه صلح، «ملا برادر»، یکی از اعضای ارشد طالبان که در پاکستان زندانی است، آزاد شود. آقای موسوی گفت: «دلیلی که ملا برادر در زندان

عبدالحمید مبارز با اشاره به این که طرح اجندای ملی از کاندیدای مشخصی حمایت نمی‌کند، گفت که ما برگزاری انتخابات شفاف و دموکراتیک را یک اصل می‌دانیم.

در این حال، احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید مسعود و نویسنده رساله اجندای ملی، با بیان این که انتخابات مهندسی شده نماینده‌گی از یک دولت مشروع و مردمی کرده نمی‌تواند، افزود: تمام تلاش ما این بوده که با هم‌گرایی به‌خاطر منافع ملی افغانستان، یکی از اولویت‌های کلان که برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه است را مبتنی بر قانون اساسی افغانستان داشته باشیم.

آقای مسعود در پیوند به برخی نگرانی‌ها مبتنی بر تقلب و به‌بی‌راهه کشاندن انتخابات، اظهار داشت: «اگر کسی تلاش کند که انتخابات را به بی‌راهه بکشاند، مطمئناً که این کار باعث به‌وجود آمدن یک دولت مشروع نمی‌شود و افغانستان با مشکلات خود باقی می‌ماند.»

رییس بنیاد شهید مسعود در پاسخ به پرسشی درباره اتحاد انتخاباتی افغانستان گفت: «اگر ما بتوانیم از تعدد گروپ‌ها جلوگیری کنیم و بتوانیم ایتلاف‌های سیاسی را در محور یک برنامه ملی بسازیم، این یک امر بسیار نیک خواهد بود. اما اگر این ایتلاف‌ها در نبود یک برنامه ملی و بر محور قوم، زبان و سمت به‌وجود بیاید، برای افغانستان بسیار مضر تمام می‌شود.»

آقای احمد ولی مسعود افزود، ما چند هفته بعد کنفرانس دوم اجندای ملی را با شرکت نخبه‌گان افغانستان، نیروهای مطرح و تأثیرگذار سیاسی و بزرگان برگزار می‌کنیم و در آن‌جا در قسمت انتخابات و این که چه‌گونه می‌توانیم ایتلاف‌ها و احزاب سیاسی مطرح را در یک هم‌گرایی با هم نزدیک بسازیم تا انتخابات برای ما یک فرصت باشد، تلاش‌های خود را انجام می‌دهیم.

متن اعلامیه مطبوعاتی «اجندای ملی» که در آن بر اهمیت برگزاری انتخابات تأکید شده است: گفت‌مان اجندای ملی فرا تر از قالب‌های حزبی و ایتلافی عمل می‌کند.

اجندای ملی در پی آنست تا یک روند ملی

به‌وجود آید و با اشتراک توده‌ها، آگاهی ملی و بسیج همگانی زمینه‌های یک دولت مشروع و ملی مهیا گردد.

حمایت از تفاهم نیروهای مطرح سیاسی، شخصیت‌های مستقل ملی و نخبه‌گان تأثیرگذار جامعه و سایر نیروهای مطرح در هماهنگی و هم‌سوئی با اجندای ملی که بتواند در فرایند انتخابات منتج به شکل‌گیری دولت وحدت ملی با مشروعیت سیاسی گردد، با الواسطه با اصلاحات نظام قادر به تشکیل دولت ملی فراگیر، ایجاد زعامت ملی و ایجاد اعتماد ملی در افغانستان گردد، از اهداف اجندای ملی می‌باشد.

از این‌رو، برگزاری انتخابات منحیث یک رکن مهم دیموکراسی به‌منظور ادامه روند دیموکراتیزه‌شدن افغانستان، تقویت نظام‌سازی و ایجاد صلح و ثبات در کشور از دیدگاه اجندای ملی حیاتی می‌باشد.

همچنان اجندای ملی بر آنست تا برگزاری انتخابات سرتاسری، آزاد و عادلانه مبتنی بر قانون اساسی کشور و متناسب با شرایط افغانستان که در آن فرصت‌های مساوی برای اشتراک تمام افغان‌های واجد شرایط منحیث انتخاب شونده‌گان و انتخاب کننده‌گان اعم از زن و مرد به‌طور شفاف تضمین شده و نتایج نهایی آن برای اکثر افغان‌ها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی کشور قابل قبول باشد.

از نظر اجندای ملی دسترسی به این اهداف از طریق انجام موارد ذیل ممکن است:

– اطمینان از عدم مداخله حکومت در انتخابات.

– اطمینان از تأمین امنیت انتخابات قبل از روز انتخابات در محلات انتخاباتی.

– اطمینان از عملکرد بی‌طرفانه کمیسیون‌های انتخاباتی در زمان اجرای انتخابات.

– حمایت از مشارکت فعال زنان و جوانان در انتخابات.

– حمایت از مأموریت‌های نظارتی نهادهای ملی و بین‌المللی در انتخابات.

– حمایت از شکل‌گیری تفاهم میان نیروهای سیاسی برنامه‌محور با اولویت دادن به منافع ملی در راستای گذار مسالمت‌آمیز و ایجاد یک دولت مشروع ملی.

ایتالیا به ۴۸ کشته نیز از جمله کشورهای هستند که بالاترین تلفات را در افغانستان داشته‌اند.

سال ۲۰۱۰ خونین‌ترین سال برای نیروهای خارجی در افغانستان با ۷۱۱ کشته بود که از این میان ۴۹۹ تن از کشته شده‌ها متعلق به نیروهای امریکایی گزارش شده است.

بکند. تلاش‌های دیگرش تسهیل تماس مستقیم و مذاکرات بین شورای عالی صلح و رهبران طالبان است.

این در حالی است که از سرنوشت زندانیان آزاد شده طالبان، اطلاعاتی در دست نیست. برخی افراد بر این باورند که این اعضای طالبان به جای کمک به روند صلح، به جبهات جنگ علیه حکومت افغانستان و نیروهای خارجی می‌پیوندند که این مساله باعث شعله ورتر شدن جنگ می‌شود.

پاکستان چندی پیش حدود ۳۰ تن از اعضای زندانی طالبان در آن کشور را از زندان آزاد کرد؛ اما هنوز نتایج مثبت آزادی این زندانیان بر پروسه صلح مشخص نیست.

## انتخابات و خواب‌های...

است، کدام است؟ همین تداوم قدرت به همین سر و شکل و با مدرن‌ترین ظاهر و فرسوده‌ترین عمق و محتوا؟! حکومت گروهی بر همه، حکومت یک اقلیت صاحب زر و زور بر کسانی که دست‌شان از این منابع قدرت کوتاه است؟! و ماحصل همه این گمانه‌زنی‌ها، شایعه‌پراکنی‌ها و ناامن‌سازی‌ها چه خواهد شد؟! دست‌کم این هدف تیم حاکم برآورده می‌شود که افکار عمومی برای لغو یا به تعویق انداختن چندساله انتخابات، آماده شود. و مگر تیم حاکم چه می‌خواهد؟! بقای در قدرت با کمترین هزینه، و کمترین هزینه را وقتی خواهد پرداخت که افکار عمومی حساسیت خود را در قبال مالکیت بر سرنوشت خویش، از دست داده و به گزینه‌های احتمالی‌یی که تیم حاکم به مردم پیشنهاد خواهند کرد، تن دهند.

چه کسانی خود را نامزد خواهند کرد؟ این بار چهره‌ها نو خواهند بود یا اندیشه‌ها؟ یا هیابوی به‌راه افتاده گرد انتخابات آن‌چنان قوی‌تر می‌شود که اصول بر جای خواهد ماند و فروع خیرساز خواهد شد؟ بهترین شاهد این وضعیت، کم‌رنگ شدن مطرح شدن طرح و برنامه‌های نامزدان آینده ریاست‌جمهوری برای تغییر ساختار کنونی و بهبود وضعیت، در سایه این بحث است که آیا انتخابات برگزار خواهد شد یا نه؟ آیا برگزاری انتخابات یک خط قرمز است برای اصلاح‌طلبان، یا می‌شود بر سر بود و نبودش به مذاکره و معامله نشست؟

تیم حاکم در کنار طرح شدن یک چنین تفکرات و گفت‌مان‌هایی، افکار عمومی به‌خصوص رسانه‌ها و حتی جمع‌هایی که نخبه‌گان سیاسی در آن حضور دارند را به‌شدت مشغول نگاه داشته و نمی‌گذارد که مباحث کاربردی‌تر و مفیدتری که در مورد آینده افغانستان باید مطرح شوند، مجال تبارز و تعمیق بیابند.

بحث آزادسازی طالبان به هر بهانه و عنوانی، یکی دیگر از معضلات جدی است که سلامت انتخابات در قدم دوم، و در قدم نخست، سلامت روانی رأی‌دهنده‌گان نسبت به انتخابات را جداً تهدید می‌کند. طالبانی که در گرماگرم روند انتقال مسوولیت‌ها و نزدیک شدن به انتخاباتی سرنوشت‌ساز و حیاتی، از بند رها می‌شوند و به صفوف مخالفان پیوسته و جناح مخالف دموکراسی و مردم‌مداری را نیرومندتر می‌سازند، خود می‌توانند عاملی باشند که نه تنها رأی‌دهنده‌گان را دل‌سرد از آینده سیاسی کشور بسازند، بلکه حتی بر روی علاقه‌مندی اشخاص و افراد توان‌مند و برجسته‌یی که خواهان نامزد شدن در پست ریاست‌جمهوری هستند، تأثیر منفی گذاشته و آن‌ها دیگر نخواهند با اعلام نامزدی خود، دست به قمار می‌مخوم به شکست بزنند و وارد میدان رقابتی شوند که همه ابزارهای رقابت و شرایط آن، بدون در نظر داشت انصاف و عدالت چیده شده است،

که این بی‌علاقه‌گی و یأس هم خود بخشی از استراتژی کسانی‌ست که می‌خواهند در میدانی که یگانه هم‌اوردش خودشان اند، بازی را شروع نشده به نفع خود خاتمه دهند. حال باید دید که چه کسانی و با چه ترکیبی وارد میدان می‌شوند و برای بُردو باخت در این میدان با چه برنامه و مکانیزمی وارد خواهند شد و تیم حاکم برای هدایت افکار عمومی به نفع خود و سمت‌وسو دادن آن در جهت خواست‌های خویش، با نامزدان به میدان آمده وارد چه بازی و معامله‌هایی خواهد شد که بتواند یکی پس از دیگری، آن‌ها را از میدان رقابت به‌در کرده و در نهایت مثل گذشته در میدانی بی‌رقیب تخت شاهی را از آن خود کرده، جشن تاج‌گذاری به‌راه اندازد.

## ریزش معدن زغال سنگ در...

فروریختن بخشی از تونل این معدن و تنفس گازهای کشنده در درون معدن بوده است.

برخی گزارش‌ها حاکی است که اتصال برق باعث آتش گرفتن ستونهای چوبی در داخل معدن شده که فرو ریختن بخشی از معدن را در پی داشته است، اما مقامها تا حال این گزارش‌ها را تأیید نکرده‌اند.

معدن زغال سنگ آبخورک در منطقه کوهستانی در ولسوالی رویی و دوآب ولایت سمنگان موقعیت دارد که به معادن بزرگ زغال سنگ «دره صوف» در همین ولایت و «آش پشته» در ولایت بامیان نزدیک است.

گفته می‌شود که این معدن بیشتر به صورت غیرحرفه‌ای و در شرایط نامناسب استخراج می‌شود و دستورالعمل‌های ایمنی در آنها به خوبی رعایت نمی‌شود.

پیش از این هم گزارش‌هایی از رویدادهایی در این معدن منتشر شده که در برخی موارد این رویدادها تلفاتی هم به دنبال داشته است.





# د ټاکنو تر سره کېدل د دېموکراسۍ د دوام په مانا ده

## راهاندازی عملیات گسترده برای بازگشایی راه‌های نورستان



مقام های محلی ولایت نورستان می گویند که نیروهای امنیتی برای بازگشایی جاده کنر-نورستان عملیات گسترده نظامی را راه اندازی کرده اند. ظاهر بهاند سخنگوی والی نورستان به خبرگزاری بختی گفت: «عملیات مشترک نیروهای امنیتی روز چهارشنبه هفته گذشته از منطقه چپه دره ولایت کنر آغاز شده و قرار است تا پاکسازی کامل این مسیر ادامه پیدا کند.»

نورستان به شدت استقبال کرده اند. آنان می گویند که این مسیر از حدود دو ماه به این سو کاملاً بر روی ترافیک مسدود بود و باشندگان نورستان با کمبود آذوقه و مواد خوراکی نیز روبرو شده اند.

موسی شامی، یک باشنده نورستان به خبرگزاری بختی گفت: «اتهاره مواصلاتی نورستان به کنر، لغمان و کابل همین جاده کنر است و این راه پس از عید فطر کاملاً مسدود شده بود.»

او گفت که بازگشایی این راه برای مردم نورستان به منظور انتقال کالا از اهمیت بالای برخوردار است. این باشنده نورستان می گوید پیش از این، مامورین دولتی و حتی مردم عادی از ترس طالبان از مسیر نورستان-کنر رفت و آمد کرده نمی توانستند.

گروه طالبان با کمین در این مسیر مسافران را آزار و اذیت می کردند.

طالبان در بیشتر موارد مسافران را از این مسیر اختطاف کرده و به قتل می رساندند.

شامی می گوید که مردم نورستان از بازگشایی این مسیر استقبال می کنند...

### کمبود مواد غذایی در نورستان

باشندگان نورستان می گویند که پس از عید فطر بر اثر مشکلات میان مدیران ترانسپورتی و رانندگان، کالا و مواد غذایی مورد نیاز مردم نورستان به این ولایت وارد نمی شد.

به گفته آنان، مردم نورستان، سخت با مشکلات کمبود مواد اولیه غذایی مواجه شده بودند.

آنان می گویند، رانندگان به دلیل افزایش نا امنی ها در مسیر نورستان-کنر، از قوانین ترانسپورتی سرپیچی می کردند.

موسی شامی باشنده نورستان به خبرگزاری بختی گفت: «در حال حاضر مشکلات میان مدیران ترانسپورتی و رانندگان حل شده و انتقال مواد اولیه به نورستان به تازه گی شروع شده است.»

به باور او، در صورتیکه امنیت در مسیر نورستان-کنر تأمین شود، باشندگان نورستان دیگر با کمبود مواد غذایی روبرو نخواهند شد.

خلک او سیاسی خاگونه په ټاکنو کې برخه اخیستو ته وهڅوي، دا به د ټاکنو له شفافیت او مشروعیت سره مرسته وکړي.

ښاغلی ساپی زیاتوي، هغه کسان چې په افغانستان کې د ټاکنو نه ترسره کېدل غواړي، په حقیقت کې د ولس په حقونو سترگی پټوي او د دېموکراسۍ اصول تر پښو لاندې کوي.

نوموړی په دې باور دی چې ټاکنې له ستونزو د خلاصون یوازینی لاره ده.

د یادوني وړ ده، چې یوشمېر کسانو او ډلو د کندهار د والي او د ولسي جرگې د یوشمېر غړو په گډون خوځو وازې د ټاکنو د څنډېدو غوښتنه کړې. هغوی وايي ټاکنې په اوسني حالاتو کې د ترسره کېدو نه دي.

دوی دغه راز څه وخت وړاندې په کابل کې د یوې غونډې پرمهال ویلي ول، چې ټاکنې دې تر ۲۰۱۸ کاله پورې وځنډول شي.

که څه هم چې ولسمشر کرزي د ټاکنو د ترسراوي ټینګار کړی، خو د حکومت سیاسي مخالفان تور لگوي، چې ارگ نه غواړي ټاکنې تر سره شي.

د ټاکنو خپلواک کمېسیون هم ویلي چې تر دې دمه د ولسمشرۍ او ولایتي شورا گانو لپاره د نوماندۍ د معلوماتو بستې گڼو کسانو اخیستي او له دې لړۍ یې خونینې ښودلي ده.

خو د امنیت په اړه لا هم ډاډمن نه دي او وايي، چې یوشمېر مرکزونو به د ټاکنو په ورځ تر لاسه وي او ځینې هغه سیمې چې نا امنه دي له ټاکنو پاتې شي. خو د حکومت مخالفو سیاسي مشرانو په حکومت غبر کړی، چې د راتلونکيو ټاکنو لپاره دې د امنیت د تامین غم وخورې او په ټاکنو کې دې له لاسوهنې ډډه وکړي.



ته پوهاوی ورکوي، حقایق خلکو ته رسوي، له ازادو، رڼو او عادلانه ټاکنو دفاع کوي.

دی وايي، د رڼو ازادو او عادلانه ټاکنو د ترسراوي لپاره ملي اجنډا هڅې کوي، ملي اجنډا په هېڅ ائتلاف پورې اړه نه لري بلکې یوازې غواړي ټاکنې تر سره شي.

د دغه سياسي شننانه په خبره، دوی غواړي چې په افغانستان کې دېموکراسي دوام وکړي، خلک باید خبر شي او د دې هدف لپاره به د ملي اجنډا کنفرانسونه دوام وکړي او نورو ولایتونو ته به هم وغځېږي، تر هغې چې ټول خلک خبر شي او له خپلو حقونو دفاع وکړي.

همدارنگه لیکوال او خبریال مجیب الرحمن ساپی وايي، چې ملي اجنډا کولای شي په ټاکنو کې د خلکو د برخه اخیستو په برخه کې اغېزمن تمام شي.

هغه زیاتوي، هر څوک چې د ټاکنو په برخه کې د عامه پوهاوي او په ټاکنو کې د برخه اخیستو لپاره د خلکو د هڅولو لپاره کار کوي، پایله یې مثبتې او د ولس له هرکلي سره مخ کېږي.

د ده په وینا، که ملي اجنډا په بې طرف ډول د ټاکنو ترسره کېدل غواړي او ټول

په داسې حال کې چې افغانستان ورو ورو ټاکنو ته نږدې کېږي، او یوشمېر کسان د ټاکنو نه ترسراوي غواړي، د سياسي چارو یوشمېر شننونکي وايي، په هر ډول حالاتو کې باید ټاکنې تر سره شي.

د سياسي چارو شننونکي وايي، چې د ټاکنو په ترسراوي کې د ملي اجنډا په نوم پیل شوی پروگرام خورا غېزمن او گټور ثابتهای شي او د ټاکنو په ترسراوي ټینګار کوي.

د سياسي چارو شننونکي عبدالحمید مبارز ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې د ټاکنو ترسره کېدل په هېواد کې د دېموکراسۍ د دوام په مانا ده.

هغه وايي، دا څلورم ځل دی چې افغانان دېموکراسي تجربه کوي؛ خو هر ځل د نا معلومو دلایلو له مخې یې پای ته نشي رسولای.

د ده په خبره، هېڅ شی مانع نشي کېدای چې د ټاکنو مخه ونیسي، ځکه په افغانستان کې جگړه نشته بلکې د امنیت اخلاص شتون لري.

ښاغلی مبارز زیاتوي، د ټاکنو په برخه کې د ملي اجنډا رول خورا مهم دی، ځکه ملي اجنډا د ټاکنو په اړه خلکو



## بیل، خوشحال ناراحت



ستاره ولزی رنال مادرید از گلزنی با پیراهن این تیم در دیدار برابر ویارئال خوشحال است اما از توقف تیمش ابراز ناراحتی کرد. گرت بیل در نخستین دیدار خود با پیراهن رنال مادرید گلزنی کرد اما رنال با تساوی دو بر دو برابر میزبانش ویارئال متوقف شد. بیل که با پیوستنش به رنال مادرید رکورد جابه جایی بازیکنان را شکست از گلزنی با پیراهن رنال خوشحال است اما از اینکه تیمش نتوانست به پیروزی برسد ناراحت است.

ستاره ولزی رنال مادرید پس از توقف تیمش برابر ویارئال در صفحه اجتماعی خود در توئیتر نوشت: از اینکه در نخستین بازی خود با پیراهن رنال مادرید گلزنی کردم خوشحالم اما از اینکه نتوانستم پیروز از میدان خارج شوم ناراحت هستم. خوشبختانه توانستم ۶۰ دقیقه برای رنال بازی کنم و این برایم خوشحال کننده است.

## رونالدو قرارداد خود با رئال مادرید را تمدید کرد



رنال مادرید اعلام کرده است که قرارداد خود با کریستیانو رونالدو، مهاجم این تیم را تمدید کرده است. این باشگاه هنوز رسماً جزئیاتی بیشتر در مورد ارزش این قرارداد و مدت آن اعلام نکرده است. اما طبق گزارش های منابع رسانه ای در اسپانیا قرارداد این ستاره پرتغالی تا ۲۰۱۸ تمدید شده و درآمد سالانه او به مبلغی نزدیک به ۱۷ میلیون یورو خواهد رسید.

## صندوق حمایت از فوتبال افغانستان ایجاد شد

مسولان فدراسیون فوتبال افغانستان می گویند که صندوق حمایت از فوتبال در چوکات این فدراسیون ایجاد شده است. این صندوق به همکاری اتاق تجارت و صنایع و فدراسیون فوتبال افغانستان تشکیل شده و تحت نظر یک بورد پنج نفری مستقل به وجود آمده است. به گزارش بختی، هدف از ایجاد این صندوق وجهی، حمایت، تقویت، و رشد فوتبال کشور خوانده شده است. اعضای بورد این صندوق وجهی کرام الدین کرام رییس فدراسیون فوتبال، شکرپه بارکزی نماینده پارلمان، شفیق گوهری، کمیشنر لیگ برتر افغانستان، یوسف کارگر سر مربی تیم ملی فوتبال و محمد قربان حقجو رییس هیأت عامل اتاق های تجارت و صنایع هستند. رییس فدراسیون فوتبال در کنفرانس خبری که روز

## مارتینیو: نیمار عالی بود



سرمربی بارسلونا پس از پیروزی تیمش برابر سویا به تمجید از بازی نیمار پرداخت. بارسلونا با گلزنی در دقیقه پایانی برابر سویا از تساوی گریخت و موفق شد سه امتیاز این بازی را کسب کند. خرااردو مارتینیو، سرمربی بارسلونا پس از پیروزی تیمش برابر سویا در هفته چهارم لیگا گفت: در نیمه اول تلاش زیادی برای گلزنی کردیم و توانستیم پنج موقعیت گل ایجاد کنیم اما در نیمه دوم همه چیز تغییر کرد. تعویض های سویا ما را آزار داد اما در نهایت توانستیم به پیروزی برسیم. مارتینیو ادامه داد: وقتی مثل یک «تیم» باشیم فرصت درخشش برای اعضای تیم به وجود می آید. باید ایرادهای تیم خودمان را خیلی زود رفع کنیم. بوسکتس در میانه میدان تنهاست و باید فضای کناری او را بهتر پوشش دهیم. سرمربی بارسلونا در ادامه با تمجید از مهاجم برزیلی تیمش گفت: نیمار در خط دفاع را پوشش دهیم.



# Mandegar

## سوءقصد ناکام به جان افسر پولیس زن در هلمند



مقام‌های ولایت هلمند می‌گویند که یک افسر ارشد پولیس زن هدف سوءقصد دو فرد مسلح ناشناس قرار گرفته و زخمی شده است. عمر زواک، سخنگوی والی هلمند گفته که نگار ۳۵ ساله صبح روز یک شنبه نزدیک خانه اش در شهر لشکرگاه، مرکز هلمند، هدف تیراندازی دو موتورسوار قرار گرفت و بازوی راستش زخمی شد. گفته شده که مهاجمان فرار کرده اند.

خانم نگار در دستگاه پولیس هلمند مسوول بخش خود است و پنج سال سابقه کار دارد. او جایگزین اسلام بی‌بی شده که یک ماه پیش کشته شد. اسلام بی‌بی ارشدترین مقام پولیس زن در ولایت نآرام هلمند بود - جایی که زنان به دلیل حاکم بودن فرهنگ سنتی، مشارکت چندانی در امور عمومی ندارند. در ماههای اخیر شماری از زنان برجسته در این ولایت کشته یا ربوده شده اند.

شمار کل زنان استخدام شده در پولیس افغانستان به ۱۵۰۰ نفر می‌رسد که یک درصد کل پولیس این کشور را تشکیل می‌دهند. سازمان خیریه بریتانیایی آکسفام اخیراً در گزارشی نوشت که دولت افغانستان در رسیدن به هدف تعیین شده خود که استخدام پنج هزار زن در پولیس تا سال ۲۰۱۵ بود، «ناکام» مانده است. این سازمان تاکید کرده که دولت باید با اختصاص دادن منابع مالی و روی دست گرفتن تلاشهای بیشتر، سهم زنان را در نیروهای پولیس افزایش دهد.

در جامعه مردسالار و سنتی افغانستان، زنان پولیس علاوه بر خطرهای مشابه خطرهایی که نگار و اسلام بی‌بی با آنها مواجه شدند، با انواع چالشهای دیگر هم رو به رو هستند. برخی گزارشها حاکی است که آنها حتی از سوی همکاران مرد خود با مشکلاتی مواجه هستند.

## ریزش معدن زغال سنگ در سمنگان جان ۲۷ کارگر را گرفت

مقام‌های محلی ولایت سمنگان تایید کرده اند که دست کم ۲۷ معدنچی بر اثر فروریختن یک معدن زغال سنگ جان باخته اند.

گزارش شده که این کارگران روز شنبه مشغول کار در معدن زغال سنگ در منطقه «آبخورک» در ولسوالی «روبی» بودند که بر اثر فروریختن بخشی از تونل معدن در درون معدن گیرماندند.

محمدصادق عزیززی، سخنگوی والی سمنگان به بی‌بی‌سی گفت که عملیات نجات از دیروز آغاز شد و تا شب گذشته ادامه داشت.

به گفته او، همه افراد گیرمانده در این معدن بیرون آورده شده اند و از آن جمله ۲۷ تن جان داده و ۲۰ نفر دیگر زخمی هستند که وضعیت سلامت چهار کارگر «وخیم» است.

گفته شده که عامل مرگ و زخمی شدن این معدنچیان... ادامه صفحه ۶



## انتخابات و خواب‌های ناخوش تیم حاکم

حلیمه حسینی



این‌گونه شتابان به حرکت خود ادامه ندهد! دیگر چیزی باقی نمانده تا چهره‌هایی وارد کارزار انتخاباتی شوند و این تاج‌وتخت را از کسانی طلب کنند که به نظر می‌رسد هرگز خواهان واگذار نمودن آن به غیر نیستند. در یک چنین شرایطی باید دید که در روزهای آتی، مردم چه ناگواری‌ها و چه دسیسه‌های شومی از سوی قدرت‌خواهان و انحصارگرایانی شاهد خواهند بود که ترجیح می‌دهند تاج‌وتختی را که به آنها نمی‌رسد، سرنگون سازند، تا این‌که ببینند کس دیگری آن را تصاحب می‌کند.

زمزمه‌هایی که برای برگزاری لویه جرگه و یا به تعویق افتادن و یا اصلاً برگزار نشدن انتخابات این روزها به گوش می‌رسد، همه تلاشی‌ست تا اندک‌اندک مردم را به این باور برسانند که انتخابات یگانه راه‌حل برای بعد از ۲۰۱۴ نیست؛ بلکه گزینه‌یی به صلاح همه نزدیک‌تر هم وجود دارد و آن این‌که: به وضع موجود تن باید داد و چشم از وضعیت مطلوب و تلاش برای رقم زدن آن برداشت!

اما وضع موجودی که مطلوب تیم حاکم... ادامه صفحه ۶

قرار است ثبت‌نام نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری، از امروز ۲۵ سنبله آغاز شود و بنابراین، دیگر چیزی به اعلام کاندیداتوری کسانی نمانده که هوس تکیه زدن بر تخت‌وتاج ارگ را دارند. شاید صحبت از تاج‌وتخت آن‌هم در شرایطی که نظام به رسمیت شناخته‌شده کشورمان، جمهوری اسلامی است، بی‌ربط و ناموزون بنماید؛ اما اگر اندکی دقت شود به آنچه در جریان است و کارنامه دوازده‌ساله جناب آقای کرزی و تیم همراهش، دیگر صحبت از تاج‌وتخت کردن به نام دموکراسی و تاج شاهی بر سر نهادن به نام انتخابات، عجیب و ناممکن به نظر نخواهد رسید. زیرا ثابت شده که همه چیز در افغانستان، روالی استثنایی و غیر قابل کنترل و بی‌حساب‌و‌کتاب یافته است. هر اشتباه یا ندانم‌کاری‌یی که رخ دهد، به‌راحتی مسوولین می‌گویند «این‌جا افغانستان است»، و با گفتن این جمله، از همه رفع مسوولیت می‌شود و افغانستان به عنوان استثنایی‌ترین جای این کره خاکی، جایی خوانده می‌شود که سنگ روی سنگ بند نمی‌گردد مگر با رشوه و فساد و دزدی!! و اگر کسی هم بخواهد حقی طلب کند و داد از قانون‌مداری سر دهد، پروان «شعار این‌جا افغانستان است»، در همان اولین قدم‌ها خواهان خفه شدن فریادهایی می‌شوند که خواهان تغییر اند.

اکنون با وصف این‌که این‌جا افغانستان است، باید دید که چاره این افغانستان بحران‌زده را کجا باید جست؟ چاره‌یی معقول، دست‌یافتنی و به‌موقع که بتواند شکم‌های گرسنه شهروندان ما را سیر کند و فقر لجام‌گسیخته‌یی را که ریشه انواع بزه‌کاری‌ها و جرم و جنایت‌هاست، مهار نماید تا



## بطور زنده فقط از افغان بیسیم



تنها از افغان بیسیم میتوانید که مسابقات لیگ برتر و تازه ترین تبصره را بدست بیاورید.

برای تبصره تازه: با شماره ۵۱۵۲ تماس بگیرید (هزینه افغانی فی دقیقه) - برای بدست آوردن پیام های تازه: بسته روزانه - EPL نوشته و به شماره ۵۱۵۲ ارسال نمایند. ( افغانی هزینه) بسته ماهوار: FM نوشته و به شماره ۵۱۵۲ ارسال نمایند. (۲۰ افغانی هزینه)

این برنامه به همکاری شبکه تلویزیونی آریانا یگانه شبکه که حق نشر برنامه تلویزیونی در افغانستان را برای EPL دارد نشر گردید. افغان بیسیم از جمله بزرگترین اسپانسر کننده نشر برنامه EPL در شبکه تلویزیونی آریانا میباشد.

